

« در هر شرایطی باید بنیهِ دفاعی کشور

در بهترین شرایط باشد»



«یک ملت باید دشمن را بشناسد،

نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن تجهیز کند.»

**پدافند غیر عامل
و
تهدیدات نوین**

تدوین و ارائه دهنده:

دکتر غلام رضا جلالی

سرشناسه	: جلالی فراهانی، غلامرضا، 1337 -
عنوان و نام پدیدآور	: پدافند غیرعامل و تهدیدات نوین / تدوین و ارائه دهنده غلامرضا جلالی فراهانی.
مشخصات نشر	: تهران: بوستان حمید، 1390.
مشخصات ظاهری	: 104ص: مصور.
شابک	: 978-600-6412-13-9
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دفاع از غیرنظامیان -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
رده بندی کنگره	: 1390 4پ8ج / U926
رده بندی دیویی	: 363/350955
شماره کتابشناسی ملی	: 2641514



انتشارات

با همکاری و پیشنهاد سازمان پدافند غیرعامل کشور

عنوان : پدافند غیرعامل و تهدیدات نوین

تدوین و ارائه دهنده : دکتر غلامرضا جلالی فراهانی

گردآوری و تنظیم مستندات : محمد شامحمدی

ناشر : بوستان حمید

چاپ اول : زمستان 1390

شمارگان : 2500

قیمت : 4000 تومان

• کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری برای ناشر محفوظ است.

(نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

صندوق پستی 331-1775

تلفن ناشر: 33700927

مقدمه

در طول تاریخ بشر، عنصر نزاع و جدال نقش پررنگی داشته است. به گونه ای که از کل تاریخ بشری فقط ۲۶۸ سال بدون جنگ سپری شده است. این عدد فقط یک آمار است. اما آنچه که مهم تر از این حقیقت است این است که، در دوران صلح ضرورت آمادگی برای جنگ مهم تر از خود جنگ است. با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش بشری همانگونه که اختراعات جدید به وجود آمد، روش های متنوع و هوشمندانه ای نیز برای کشتن و در هم شکستن دفاع دشمن و در کل فناوری های جدید در صحنه نظامی به کار بسته شد. با این وجود به کارگیری این فناوری ها و اختراعات و پیشرفت ها در صحنه ها و عرصه های دفاعی نیز گسترش یافته است، به گونه ای که امروزه دفاع و هنر دفاع کردن یک تخصص و علم به شمار می آید. و خود دفاع به دو گونه عامل و غیر عامل تقسیم می شود. در واژگان پارسی، معادل کلمه دفاع، پدافند می باشد. به صورت کلی پدافند غیرعامل هنر و علم دفاع بدون اسلحه می باشد و در آن از آموزه ها و دستور العمل های علمی و هوشمندانه به همراه به کارگیری ابزارآلات و فناوری های نوین جهت افزایش کارآمدی و ایمنی و کاهش آسیب پذیری و تلفات در زمان جنگ و کلاً حوادث سهمگین غیر منتظره استفاده می شود.

آنچه در پیش رو دارید، سخنرانی دکتر غلامرضا جلالی فراهانی ریاست سازمان پدافند غیرعامل کشور در همایش پدافند غیرعامل و آموزش کارکنان و مدیران در استان گیلان می باشد، که شرحی است اجمالی اما به غایت مفید و آگاهی بخش به ویژه برای کسانی که این واژگان برایشان غریبه می باشد.

فهرست مطالب

۱- مقدمه.....	۱۱
۲- فناوری های نوین و تهدید ها.....	۲۳
۳- جنگ نرم و جنگ فرهنگی.....	۲۶
۴- تهدید فناوری سایر.....	۴۱
۵- سایر تهدیدات نوین.....	۵۱
۶-مدل کلی دفاع همه جانبه از کشور.....	۶۰
۷- تقسیم بندی حوزه های پدافند.....	۸۰
۸- پرسش و پاسخ.....	۸۳
-کتابنامه.....	۱۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - مقدمه

با سلام و درود بر ارواح مطهر شهدا و روح ملکوتی حضرت امام (ره) و با یاد شهدای دفاع مقدس همچون همه سرداران و سرشناسان جبهه ها، و شهدای گمنام و بسیجیان و سربازان جبهه ها که در طول دفاع مقدس به شهادت رسیدند و تکلیف ما را در تداوم راهشان بیشتر کردند، صلواتی ختم بفرمائید.

من هم به نوبه خویش، شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع) را خدمت حضرت امام رضا (ع) که ولی نعمت ما مردم ایران هستند و نور و چراغ این کشور هستند و هم چنین پدر بزرگوار آن حضرت می باشند، تسلیت عرض می نمایم.

و هم چنین خدمت همه عزیزان سالروز شهادت شهدای هفتم تیر را گرامی می داریم و امیداور هستم که خداوند به همه ما توفیق دهد که در این اوضاع و شرایط بتوانیم تکالیف خویش را بشناسیم و آن را بهتر عمل کنیم.

تشکر می کنم از مسئولین و برگزار کنندگان این جلسه، استاندار محترم، مسئولین محترم استان و فرمانده محترم سپاه که باتلاش و اقدامات ایشان این فرصت را ایجاد کردند که بتوانیم درباره موضوعات مرتبط با دفاع غیر کشور، مباحثی را خدمت عزیزان تقدیم بکنیم.

همانطور که عزیزان مستحضر هستند و مجری محترم هم خوشبختانه تذکر دارند، سیاست های کلی نظام راجع به پدافند غیر عامل که ابلاغی مقام معظم رهبری می باشد، سیاست و استراتژی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران راجع به بحث پدافند غیر عامل بوده، که شامل این بند ها است:

- ۱- تأکید بر پدافند غیرعامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.
- ۲- رعایت اصول و ضوابط پدافند غیرعامل از قبیل انتخاب عرصه ایمن، پراکنده‌سازی یا تجمع حسب مورد، حساسیت‌زدایی، اختفاء، استتار، فریب دشمن و ایمن‌سازی نسبت به مراکز جمعیتی و حائز اهمیت بویژه در طرح‌های آمایش سرزمینی و طرح‌های توسعه آینده کشور.
- ۳- طبقه‌بندی مراکز، اماکن و تأسیسات حائز اهمیت به حیاتی، حساس و مهم و روزآمد کردن آن در صورت لزوم.
- ۴- تهیه و اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل (با رعایت اصل هزینه - فایده) در مورد مراکز، اماکن و تأسیسات حائز اهمیت (نظامی و غیرنظامی) موجود و در دست اجراء بر اساس اولویت‌بندی و امکانات حداکثر تا پایان برنامه ششم و تأمین اعتبار مورد نیاز.
- ۵- تهیه طرح جامع پدافند غیرعامل در برابر سلاح‌های غیرمتعارف نظیر هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی.
- ۶- دو یا چندمنظوره کردن مستحذات، تأسیسات و شبکه‌های ارتباطی و مواصلاتی در جهت بهره‌گیری پدافندی از طرح‌های عمرانی و بویژه در مناطق مرزی و حساس کشور.
- ۷- فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در زمینه به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی، پیش‌بینی مواد درسی در سطوح مختلف آموزشی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل.
- ۸- رعایت طبقه‌بندی اطلاعات طرح‌های پدافند غیرعامل.

۹- ممانعت از ایجاد تأسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و بیرون بردن این گونه تأسیسات از شهرها و پیش بینی تمهیدات ایمنی برای آن دسته از تأسیساتی که وجود آنها الزامی است و ممانعت از ایجاد مراکز جمعیتی در اطراف تأسیسات پرخطر با تعیین حریم لازم.

۱۰- حمایت لازم از توسعه فناوری و صنایع مرتبط مورد نیاز کشور در پدافند غیرعامل با تأکید بر طراحی و تولید داخلی.

۱۱- به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در مقابله با تهدیدات نرم افزاری و الکترونیکی و سایر تهدیدات جدید دشمن به منظور حفظ و صیانت شبکه های اطلاع رسانی، مخابراتی و رایانه ای.

۱۲- پیش بینی ساز و کار لازم برای تهیه طرح های مشترک ایمن سازی و ایجاد هماهنگی در سایر طرح ها و برنامه ها و مدیریت نهادهای مسئول، در دو حوزه پدافند غیرعامل و حوادث غیرمترقبه در جهت هم افزایی و کاهش هزینه ها.

۱۳- ایجاد مرکزی برای تدوین طراحی، برنامه ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین نامه های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آنها.

این سیاست ها اسفند ماه گذشته توسط مقام معظم رهبری به همه دستگاه های اجرایی از جمله سه قوه و نیروهای مسلح ابلاغ شد که علی القاعده بایستی، هر دستگاهی و هر قوه ای، تکالیف و وظایف خویش را نسبت به این سیاست ها که در واقع غیر از مطالبات، تدابیر رهبری نسبت به موضوع پدافند غیر عامل محسوب می شود، انجام دهند.

مجلس قوانین و لوایح مورد نیاز را در این زمینه برای اجرایی شدن این بحث‌ها تهیه نماید. دولت در زمینه اجرایی بسترسازی انجام دهد و تکالیف خویش را اجرا کند و قوه قضائیه هم قوانین و مباحثی را که مربوط به خودش می باشد ان شاء الله انجام بدهد. برای اینکه اقدام دشمن را بتوان مدیریت کرد، اولین نکته ای که اینجا هست این است که تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن چیست؟ و چه ویژگی هایی دارد؟ برای اینکه به این موضوع توجه بکنیم، بایستی نگاهی راجع به تهدید داشته باشیم، و ببینیم که تهدیدات ما از چه ویژگی هایی برخوردار هستند.

تهدید طبیعی یک مفهوم با منشاء طبیعی و تغییرات ثابت می باشد و یکی از دسته بندی هایی که انجام شده است دسته بندی تهدیدات بر اساس فناوری است، یعنی فناوری های حاضر که در حوزه دفاع و استراتژیک تأثیر جدی دارد. از این نظر جنگها به ۴ نسل تقسیم می شوند:

۱. جنگ نسل اول.
۲. جنگ نسل دوم.
۳. جنگ نسل سوم.
۴. جنگ نسل چهارم.^۱

^۱تقسیم بندی جنگ ها به چهار نسل:

جنگ های نسل اول شامل جنگ های از دوره پیدایش بشر تا اختراع سلاح های گرم و متکی بر سلاح های سرد می شود. دوره تاریخی جنگ‌های نسل دوم، شامل اختراع و بکارگیری سلاح‌های گرم تا زمان ورود ماشین به عرصه نبرد می‌شود. جنگ‌های نسل سوم یا جنگ‌های مکانیزه با اختراع و بکارگیری ماشین‌های جنگی و توسعه عرصه نبرد به هوا و زیردریا شروع و تا دوره معاصر ادامه داشته است. تهاجم ارتش بعث عراق و دوره هشت ساله دفاع دفاع مقدس یکی از مهمترین تجارب جنگی کشورمان در این دوره است.

در جنگ های نسل دوم از باروت و اسلحه های این چینی استفاده می شد و در جنگ نسل سوم از جنگی های زمینی، هوایی و استفاده از زره، حرکت و اگر بخواهیم به صورت مشخص تعریفی از آن ارائه کنیم می توانیم دفاع مقدس کشور خودمان را

مشخصه های جنگ های نسل سوم، تاکید بر جنگ سخت شامل حجم انبوه و گسترده درگیری های فیزیکی بین طرفین، اصرار بر کسب برتری های تاکتیکی، تاکید بر انهدام واحدها و یگان های دفاعی، بکارگیری حجم انبوه مهمات و سلاح های معمولی و غیردقیق، تکیه بسیار زیاد بر نبرد زمینی و محدودیت در هوا و عدم بهره مندی از فضا در نبرد، تکیه بر حجم انبوه نیروی انسانی، دشواری های مدیریت صحنه نبرد و پشتیبانی ها، گستردگی خسارت و تلفات وارده به غیرنظامیان، طولانی تر شدن دوره جنگ، خطرپذیری و هزینه بسیار بالا است.

جنگ های نسل چهارم با شروع دوره انقلاب علوم و فناوری ها، بخصوص فناوری اطلاعات، ارتباطات، الکترونیک و رایانه در سال های اخیر، طراحی و در چند جنگ اخیر نیز تجربه شده است و سیر تکاملی خود را طی می کند.

مشخصه های این نوع جنگ ها شامل " جنگ نرم - جنگ اطلاعاتی، روانی، تبلیغاتی، سایبری- بکارگیری موضعی و مقطعی جنگ سخت مانند جنگ با ضربات محدود برای تقویت و پشتیبانی جنگ نرم، تاکید بر جنگ الکترونیک پیشرفته، تکیه بر شبکه گسترده و سامانه های پیشرفته و هوشمند سنجش از راه دور است. تکیه بر سلاح ها و تجهیزات هوشمند و پیشرفته و دقیق، توسعه توانمندی ها و کسب برتری کامل در هوا، گسترش عرصه جنگ به فضا، پرهیز از درگیری قطعی در جنگ سخت قبل از اطمینان از پیروزی در جنگ نرم و شروع همزمان نبرد در خط و عمق نزدیک و دور یا گسترش عرصه نبرد به همه سطوح جغرافیایی کشور، از دیگر مشخصه های جنگ های نسل چهارم است.

در این جنگ ها انهدام زیرساخت های ملی و مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور در اولویت نخست اهداف تهاجم است و بر قطع ارتباط رهبری و مدیریت دفاعی و عمومی کشور با مردم و نیروهای دفاعی در گام نخست تهاجم تأکید می شود. الزامات و ویژگی های دفاع موثر در جنگ های نسل چهارم بر اساس اظهار نظر کارشناسان، ضرورت برنامه ریزی و آغاز طرح های جامع دفاع قبل از شروع درگیری های آشکار، توسعه همه جانبه تدابیر دفاعی به منظور افزایش ضریب پایداری ملی، گسترش طرح های دفاعی در سطح تمامی نقاط هدف در جغرافیای کشور و حوزه سرزمینی ملی به روش دفاع نقطه ای است. تاکید ویژه بر دفاع غیرعامل، اتکا به ایمان، هوشیاری، روحیه و توان دفاعی مردمی، توجه و تاکید بر راهبرد و اصول دفاع نامتقارن، شناسایی و رفع ضعف های ذاتی فناوری ها و آسیب پذیری های ساختاری و سیستمی، تمرکز بر اولویت های دفاعی و تمرکز تلاش ها بر ارتقای روحیه و اراده ملی برای دفاع از دیگر الزامات و ویژگی های دفاع موثر در جنگ های نسل چهارم است.

(دانشگاه مجازی پارس) (<http://www.it&tech.com>)

مثال بزنیم. بروز حوادثی باعث تغییر در جنگها شد. از سال ۱۹۹۰ به بعد، شاهد این امر بودیم که جنگ ها در حال تغییر هستند و محتوی و چهارچوبشان عوض می شود. بعد از اینکه دوران جنگ سرد به پایان رسید و فروپاشی شوروی اتفاق افتاد. به دنبال آن زمینه های رقابت قدرت های دنیا برای به دست آوردن قدرت بهتر و پر کردن خلاء های ناشی از فروپاشی شوروی بود.^۲

^۲ جنگ سرد اصطلاحاً به جنگی اطلاق می شود که از تنش ها، کشمکش ها و رقابت ها در روابط آمریکا، شوروی سابق و هم پیمانان آنها در طول دهه های ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰ بوجود آمد. در سال ۱۹۴۵ و پس از پایان جنگ جهانی دوم تنش بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد و تا سال ۱۹۴۷ افزایش یافت.

در طول این زمان رقابت بین این دو ابرقدرت در عرصه هایی از قبیل نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزش، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه تکنولوژی ادامه داشت. این رقابت ها، مسابقات فضایی، پرداخت هزینه های گزاف دفاعی، مسابقات سلاح های هسته ای و تعدادی جنگ های غیرمستقیم با خود به همراه داشت. در طول این جنگ، درگیری نظامی مستقیمی بین نیروهای آمریکایی و شوروی رخ نداد، اما گسترش قدرت نظامی، کشمکش های سیاسی و درگیری های مهم بین کشورهای پیرو و هم پیمانان این ابر قدرت ها از دست آوردهای جنگ سرد به حساب می آید. در نهایت در انتهای دهه ۱۹۸۰ و با دیدارهای مقامات عالی رتبه که به وسیله آخرین رهبر شوروی؛ میخائیل گورباچف ترتیب داده شد و برنامه های اصلاحی وی، جنگ سرد با فروپاشی شوروی پایان یافت.
(پایگاه اینترنتی آفتاب)) (www.aftabir.com)

یک رقابت به وجود آمد و باعث شد که فناوری هایی در اختیار دولت ها قرار گیرد و در حوزه های تسلط و اشراف بر دیگران به کار گیری شود و تدریجاً مفاهیم جدید را به وجود آورد. می توانیم بگوئیم از سال ۹۳-۹۰ به بعد، که یک نوع انقلابی در مباحث نظامی دفاعی به وجود آمد که این انقلاب باعث شد که تغییرات عمده و اساسی در این حوزه اتفاق بیافتد،^۳ که می توان آن را دوره تحوّل و انقلاب

^۳ در سال ۱۹۹۲، دفتر ارزیابی وزارت دفاع آمریکا (ONA) شروع به ارزیابی نظریه انقلاب تکنولوژیک نظامی (MTR) در اواخر قرن بیستم کرد. نظریه پردازان نظامی شوروی از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد از امکان وقوع انقلاب سومی در امور نظامی (RMA) در قرن بیستم صحبت می کردند.

ارزیابی این دفتر در مورد انقلاب تکنولوژیک نظامی که توسط کلنل وقت ارتش، آندرو کریپنویچ تهیه شده بود به دنبال تحقیق و بررسی این فرضیه بود که نظریه پردازان شوروی در مورد پیش بینی پیشرفتها در سلاحهای با دقت بالا، سنسورهای عظیم و سیستم فرماندهی و کنترل کامپیوتری - که منجر به تغییرات بنیادی در عرصه جنگ خواهد شد، درست گفته و حق با آنها بود.

همانطور که مارشال نیکولای اوگارکوف، رئیس وقت ستاد ارتش شوروی در ۱۹۸۴ بیان کرده بود، این پیشرفتها در سلاحهای غیرهسته ای نوید "تحقق افزایش در پتانسیل تخریبی سلاحهای متعارف را داده که می تواند آنها را از لحاظ تاثیر گذاری به سلاحهای هسته ای نزدیک سازد." شورویها واژه "مجتمع شناسایی-حمله" را برای توصیف یکپارچگی موشکهای هدایت شونده با دقت بالا سنسورهای نظیر رادار SAR/MTI و سیستم فرماندهی و کنترل مکانیزه به کار می بردند.

در سال ۱۹۸۷ آندرو مارشال، مدیر دفتر ارزیابی پنتاگون، به این نتیجه رسیده بود که شورویها قضاوت درستی نسبت به این تکنولوژیهای جدید داشته و اینکه این تکنولوژیهای جدید نه تنها توان جنگیدن نیروهای موجود را افزایش داده بلکه در رفتار و مدیریت جنگ نیز انقلاب ایجاد خواهند کرد.

در اواخر ژانویه ۱۹۹۱، در جریان عملیات طوفان صحرا و نمایان شدن شواهدی بر سودمندی هواپیماهای F-۱۱۷ و F-۱۱۱ در هدایت لیزری بمبها علیه اهداف عمده عراقی، بوده، مارشال از کریپنویچ خواست تا مسئولیت چیزی را که بعداً ارزیابی "انقلاب تکنولوژیک نظامی" نامیده شد برعهده گیرد. قبل از آن کریپنویچ توسط مارشال مسئول مطالعه روی توان نظامی در اروپا بین نیروهای ناتو و ورشو بود.

اساسی در مباحث تکنولوژی نظامی نامید. این مطالب را به این خاطر ذکر می‌کنم که ما راجع به بحث دفاع مقدس زیاد صحبت می‌کنیم، بحث‌های ارزشی، بحث‌های انگیزشی معنوی، و تجربیات آن. ولی باید این را بدانیم که هر جنگی مختص زمان خودش می‌باشد. دفاع مقدس از لحاظ نظامی و تاکتیکی به زمان خودش تعلق داشت و جنگ امروز و جنگ آینده، مختص به زمانهای خودشان می‌باشند. هر نسلی جنگی مربوط به زمان خودش را دارا می‌باشد و هر نسلی تهدید و جنگ مربوط به خودش را دارد. و لذا ما با اتکاء صرف به تجربیات دفاع مقدس قادر نیستیم تهدیدات دیگر را پاسخ دهیم، ما بایستی حتماً نسبت به تهدید آینده مطالعه کنیم و بتوانیم تهدید آینده را بشناسیم و بینیم چه هست، چگونه هست و چه ویژگی‌هایی دارد و این ویژگی‌ها باعث تسلط ما در این حوزه بشود، و بعد از تسلط بتوانیم مدیریت بر تهدید کنیم و تهدید را کنترل و کاهش و در سمت ثبات ببریم.

ارزیابی ۱۹۹۲ MTR دفتر ارزیابی بحثها حول انقلاب در امور نظامی و نهایتاً "دگردیسی دفاعی" را مابین نهادهای امنیت ملی در طول دهه ۱۹۹۰ شدت بخشید. به مرور، بحث در مورد انقلاب در امور نظامی و دگردیسی به خارج از مرزهای ایالات متحده گسترش یافت. چه نوع تغییراتی در حال وقوع بود؟

در اوایل تابستان ۱۹۹۳، مارشال پیشنهاد داد که راه ممکن تغییر در جنگ افزارها این است که سیستم‌های هدایت شونده با دقت بالا به روش عملیاتی برتر تبدیل شوند. دیگر نظرها درباره چگونگی تغییر در جنگ افزارها مربوط به ظهور "چیزی که ممکن است جنگ افزار اطلاعاتی نامیده شود" است.

مارشال در جولای ۱۹۹۳ شروع به جایگزین کردن واژه "انقلاب در امور نظامی" با واژه "انقلاب تکنولوژیک نظامی" نمود که قصد داشت در آن بر این نکته تأکید کند که پیشرفتهای تکنولوژیکی این امر را محقق می‌نمایند. خود انقلاب زمانی مورد قبول عامه قرار می‌گیرد که مفاهیم عملیاتی جدید توسعه یافته و در بسیاری از موارد، سازمانهای جدید نظامی ایجاد شده‌اند.

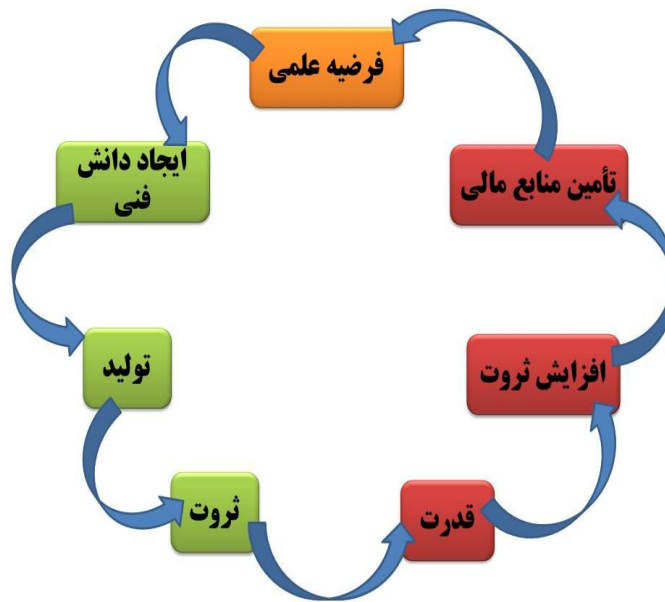
چه اتفاقی افتاد؟ بعضی از فناوری‌ها به وجود آمدند، که این فناوری‌ها باعث شدند که ما در فضای جنگ‌های نسل چهارم قرار بگیریم. ما جنگ‌های نسل سوم را خودمان تجربه کردیم، در دفاع مقدس و ویژگی‌های آن را می‌شناسیم. من چند مورد از این ویژگی‌ها را ذکر می‌کنیم:

یکی این است که اصل جنگ‌های نسل سوم بر اساس جنگ سخت است و بیشتر تلاش بر انهدام واحد‌های نظامی می‌شود، یعنی جنگ بین دو بخش نظامی انجام می‌شود. درست است که در زمان دفاع مقدس، به زیر ساخت‌ها آسیب رسید ولی عراقی‌ها ابزار قدرت و حرکت و برخورد با ارکان قدرت ملی ما را نداشتند.

در واقع فقط با بخش نظامی ما درگیر بودند و نبردمطور معمول در زمین بود، در فضا استفاده نمی‌شد و یا استفاده کمی می‌شد. عمدتاً از حمایت نیروی نظامی استفاده می‌شد و خطر پذیری و هزینه هم در این زمینه زیاد بود. اتفاقی که افتاد این بود. توجه کنیم به نکته‌ای مهم آقای "جان کوبرن" که یکی از استراتژیست‌های نظامی غرب است می‌گوید که:

تاریخ جنگ همان تاریخ فناوری است

نمودار چرخه تولید علم و ثروت



در واقع هر کشوری هر فناوری را که به دست می آورد، در حوزه تسلط بر دیگران از آن استفاده می کند. یا خود فناوری ثروت زا و قدرت زا می باشد و ثروت و قدرت^۴ بر بقیه تسلط ایجاد می کند و تسلط هم برای بعضی قدرت و برای بعضی دیگر تهدید ایجاد می کند. ما که در برابر دشمن و استکبار جهانی هستیم احساس می کنیم که این فناوری ها برای ما تهدید محسوب می شوند.^۵ فناوری های جدید که

^۴ قدرت، مفهومی بسیار وسیع دارد که تقریباً می توان گفت در همه یا اکثر علوم تخصصی اعم از علوم فیزیکی و انسانی یا فردی و اجتماعی، کاربردی گسترده دارد، ولی جایگاه قدرت در علوم اجتماعی و به ویژه در علوم سیاسی و استراتژیک قابل ملاحظه است؛ به گونه ای که بسیاری از اندیشمندان سیاسی به اهمیت آن پی برده و حتی، بعضی از آنها کتاب مستقلی درباره آن نوشته اند.

اما جامع ترین تعریف راجع به قدرت را به ((ماکس وبر)) نسبت می دهند: ((قدرت فرصتی است در چارچوب یک رابطه (اجتماعی) که به فرد امکان می دهد که اراده اش را حتی علی رغم مقاومت دیگران بر آنها تحمیل کند.)) ((پایگاه اینترنتی آینده))

^۵ سطوح قدرت نرم

اما در جهت مقابله با تهدید نرم، آن چیزی که می تواند مؤثر و کارآمد باشد، استفاده به جا از قدرت نرم است. قدرت نرم دربرگیرنده ی مؤلفه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک است. ایدئولوژی اعتبار ملی، خصوصیات ملی، هویت ملی و فرهنگی یک ملت و همچنین مشروعیت نظام سیاسی آن کشور از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب قدرت نرم مورد توجه و مطالعه قرار می گیرند. اما قدرت نرم از سه سطح تشکیل می شود:

الف) سطح راهبردی

ب) سطح میانی

ج) سطح تاکتیکی

توانمندی‌های زیادی به دولت‌های صاحب فناوری می‌دهد، به دلایلی می‌تواند برای سایر کشورها تهدید کننده باشد.

در سطح راهبردی که اولین سطح قدرت نرم است، قدرت متوجه رهبران و نخبگان یک کشور است و بالاترین سطح رویارویی قدرت نرم با تهدید نرم را شامل می‌شود. در این سطح، هدف افزایش قدرت، هنجارسازی خود و تضعیف قدرت حریف در صحنه‌ی بین‌المللی است و هدف حریف هم از تهدید نرم در این سطح، اولاً شناسایی نخبگان و رهبران فکری جامعه و ثانیاً ارباب و تأثیرگذاری در آن‌ها است.

با توجه به موقعیت تاریخی کهنی که ایران دارا است و موقعیت سوق‌الجیشی و جغرافیایی که ما در آن قرار داریم، همواره دشمن در کمین بهره‌گیری از موقعیت‌هاست. پس زمینه‌سازی جهت اتحاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در جهان اسلام، تشنج‌زدایی و پیش‌برد صلح و امنیت در منطقه و جهان، تحرک دیپلماتیک و حضور موفق در عرصه‌های بین‌المللی، از جمله مواردی است که باعث ارتقاء قدرت نرم ما می‌شود.

ب) سطوح میانی: این سطح از قدرت نرم منحصرأ به مردم و قدرت ملی تکیه دارد و از فرهنگ عامه متأثر می‌شود. در این سطح، افکار عامه از تصمیمات نخبگان و رهبران جامعه حمایت می‌کند و به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. در مقابل، هدف تهدید نرم در این سطح، ایجاد شکاف میان نخبگان سیاسی و فرهنگی و آحاد عمومی جامعه است. یعنی می‌خواهند مردم را از یک جماعت همراه تبدیل به جماعتی بی‌تفاوت، معارض و مخالف کنند و برای رسیدن به این هدف از ابزارهایی مثل تشویق به نافرمانی مدنی استفاده می‌کند.

ج) سطح تاکتیکی: این سطح از رویارویی قدرت نرم در سطح نیروهای مسلح صورت می‌گیرد و هدف این سه سطح از قدرت نرم باید توأمان و همراه هم مورد توجه قرار گیرد و سعی شود در هر سه سطح قدرت‌دهی و قدرت نرم جامعه افزایش پیدا کنند تا بتواند در مقابل تهدیدات نرم مؤثر واقع شود.

((پایگاه اینترنتی عصر انتظار)) (www.asr-entezar.ir)

۲- فناوری های نوین و تهدید ها

یکی از دلایل آن سیاست و رویکرد دولت صاحب فناوری است، به عنوان نمونه در فناوری اطلاعات توسعه زیرساخت ها، شبکه ها و استفاده از این شبکه های فناوری اطلاعات برای همه فراهم شده است، ولی حوزه های مربوط به امنیت و دفاع کاملاً در انحصار امریکا و دیگر دولت های صاحب فناوری است.

مفهوم آن این است که ما فناوری اطلاعات را توسعه می دهیم، ولی حوزه های کنترل و امنیت در انحصار غرب و آمریکا است، وقتی دقیق تر می شویم، متوجه می شویم که غرب و علی الخصوص آمریکا در حوزه امنیت و فناوری اطلاعات علاوه بر انحصار، از تعریف تروریسم هم سوء استفاده کرده اند و تروریسم را در فضای سایبری با دو مولفه تعریف کرده اند:

یکی استفاده از بانک های اطلاعاتی و دیگر استفاده از منابع مالی در فضای سایبر. بنابراین فکر می کنند این دو را بایستی کنترل کنند و با استفاده از این موضوع سیطره و کنترل خویش را گسترش می دهند.



در مسیری که ما با شیب زیاد به این سمت می‌رویم که کنترل تمام سیستم‌های حوزه‌های صنعت از جمله گاز، آب، کنترل هوایی، کنترل ترافیک، هواشناسی، کنترل پروازها، کنترل منابع مالی، براساس فناوری اطلاعات انجام شود. فناوری اطلاعات و تکنولوژی‌های نوین زیرساخت‌های حیاتی ما را در مدیریت می‌کند. به توضیحات این موضوع توجه کنید. اتفاقاتی باعث شد که در حوزه جنگ نسل چهارم قرار بگیریم. در واقع جنگ نسل چهارم حضور و وجود فناوری‌های جدید در حوزه جنگ هستند که حوزه جنگ را عوض کردند. نسبت به گذشته، تغییر یک تغییر اساسی بود.

یکی از آنها تأکید بر جنگ نرم^۶ است. ما جنگ نرم را انحصاراً جنگ نرم فرهنگی نمی‌دانیم.

^۶ مفهوم جنگ نرم Soft Warfare که در مقابل جنگ سخت (Warfare Hard) مورد استفاده واقع می‌شود دارای تعریفی واحد که مورد پذیرش همگان باشد نیست و تا حدی تلقی و برداشت افراد، جریان‌ها و دولت‌های گوناگون از جنگ نرم متفاوت است. جان کالینز، تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» می‌داند. ارتش ایالات متحده در آیین رزمی خود آن را بدین صورت تعریف نموده است:

«جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه‌های دوست است به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد.» با عنایت به تعاریف فوق، معروفترین تعریف را به جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه «قدرت نرم» نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی پروفیسور حمید مولانا در سال ۱۹۸۶ در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین الملل» به آن اشاره کرده بود. با این وجود مهمترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال ۲۰۰۴، تحت عنوان «قدرت نرم: ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» منتشر نمود.

بنابراین جنگ نرم را می توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال جنگ نرم است.

((پایگاه اینترنتی آشینه)) (www. ashineh۱۳۳.net)

به عبارت دیگر جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی می باشد. در علوم نظامی از واژه هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی استفاده می شود و در علوم سیاسی می توان به واژه هایی چون

براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین اشاره کرد. در تمامی اصطلاحات بالا هدف مشترک تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر بدون استفاده از راه های نظامی است. در یک تعریف کامل تر می توان گفت،

جنگ نرم یک اقدام پیچیده و پنهان متشکل از عملیات های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی توسط قدرت های بزرگ جهان برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در کشورهای هدف است. البته تعاریف دیگری نیز از جنگ نرم بعمل آمده که جهت مزید آگاهی ایفاد می گردد:

- ۱- جنگ تغییر باورها، استحاله عقاید و جابجایی دیدگاهها با نگاههای رسانه های استکباریست!
- ۲- جنگ مغزهاست، نه مرزها! جنگ دیدگاههاست، نه قرارگاهها!
- ۳- جنگ تقدس زدایی از ارزشها و شبهه افکنی در اذهان است!
- ۴- جنگ تغییر گروههای مرجع و شکل دهی تضادهای جدید اجتماعی است!
- ۵- جنگ تخریب اعتمادهای موجود به ارکان و مسئولان حاکمیت در ابعاد مشروعیت و کارآمدی!
- ۶- جنگ تغییر و جابجایی مفاهیم زشت و زیبا در فرهنگ جامعه و آسان سازی ترویج انحرافات!
- ۷- جنگ هنجارشکنانه، ترویج نافرمانیهای مدنی و تکمیل حلقه مقاومت جامعه در برابر حاکمیت!
- ۸- جنگ تغییر ذائقه ها و شکاف بخشی کاذب فرهنگی بین نسلها!
- ۹- جنگ توسعه مکاتب کاذب اجتماعی، عرفانی، اقتصادی و غیره!

((وبگاه یاس نبی)) (www.yase-nabi.mihanblog.com)

این بحثی که آقای جوزف نای^۷ طرح کرده و به عنوان تهدید نرم مطرح کرده است، ما آن بحث را جنگ فرهنگی نرم می دانیم. یعنی جنگ فرهنگی نرم در حوزه فرهنگی.

۳- جنگ نرم و جنگ فرهنگی

ولی جنگ نرم در حوزه های تکنولوژی هم وجود دارد، جنگ نرم اساساً جنگی است که سلاح در آن استفاده نمی شود و زور و فشار در آن استفاده نمی شود. بنابراین جنگ نرم جنگی است که در آن از سلاح و قدرت نظامی استفاده نمی شود. وقتی موضوع جنگ است، سطح آن استراتژیک است. پس به طبع این تقسیم بندی، ۴ نوع منازعه فرهنگی وجود دارد:

- جنگ فرهنگی
- نبرد فرهنگی
- رزم فرهنگی
- پیکار فرهنگی

^۷ جوزف نای استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه هاروارد است که پیش از این ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشته است. ریاست شورای اطلاعات ملی، دستیار وزیر دفاع و دستیار معاون وزیر خارجه برخی از مناصب دولتی است که پیش از این نای بر عهده داشته است. وی علاوه بر همکاری با روزنامه نیویورک تایمز، واشینگتن پست و وال استریت ژورنال، چندین کتاب از جمله "پارادوکس ابرقدرتی امریکا در جهان" و "قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست‌های جهانی" نگاشته است. جوزف نای "به عنوان تئوریسین جنگ نرم و دیپلماسی عمومی، در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰ در جلسه آغازین پارلمانی شورای انگلستان با عنوان "قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱" سخنانی را ایراد کرد و در آن کاربردهای جنگ نرم در جمهوری اسلامی ایران را نیز شرح داد.

وقتی بحث از جنگ فرهنگی است، منظور این است که نوع منازعه در سطح استراتژیک (جنگ) و طیفی از منازعه که فرهنگی است. طبیعتاً در حوزه جنگ فرهنگی نباید به سه حوزه پائین تر پرداخت و وارد مصادیق و جزئیات شد. برای مثال دستگاه مسئول در امور فرهنگی در سطح استراتژیک در جمهوری اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی است که نظرات کلان آن کل کشور را در بر می گیرد. اگر به واژه مد پرداخته شود. حوزه این مساله رزم فرهنگی و بحث تاکتیکی است. اگر موضوع تغییر در نظام فرهنگی کشور مانند رسانه های عمومی مطرح باشد. حوزه آن نبرد فرهنگی است. اما جنگ فرهنگی از مبانی فرهنگ ساز آغاز می گردد. مثلاً حوزه تولید علم و دانش که جزء مبانی جنگ فرهنگی است.

فرضاً اگر دانشگاه فعلی را برچینند و یک نظام فکری دیگری را جایگزین این دانشگاه کنند، یقیناً در این جنگ فرهنگی موفق به تسخیر میدان منازعه شده اند. اما با دانشگاه مدرن و سکولار که با مبانی غیر از فرهنگ بومی اداره می شود، در واقع در میدان حریف منازعه در حال اجرا است. لذا نباید خیلی توقع داشت که در چنین میدانی پیروزی خاصی به دست آید. مثال هایی که می توان برای روشن شدن این موضوع ارائه نمود:

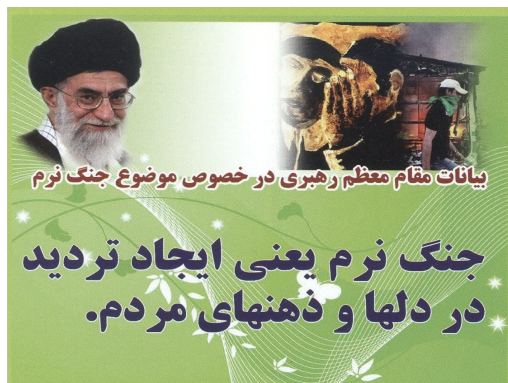
- شبکه ماهواره و اینترنت
- رزم فرهنگی
- آن دسته از گزاره های فرهنگی که عمومیت پیدا کنند مثل مد و لباس
- نبرد فرهنگی

مدل زندگی که از طریق رسانه های جمعی تبلیغ می گردد و بی سر و صدا جزئی از فرهنگ مردم می گردد. مانند آداب معاشرت، احترام به والدین و ... که یک گزاره را در بر می گیرد.

- تهدید سخت: به این تهدید عموماً تهدید گرم هم گفته می شود مانند تهدید نظامی.
- تهدید نیمه سخت: (تهدید ولرم) مانند تهدید اقتصادی و سیاسی.
- تهدید نرم: که به آن تهدید سرد هم گفته می شود. مانند تهدید فرهنگی، همانطور که تهدید سخت اساساً تهدید نظامی است و تهدید نیمه سخت حوزه اقتصاد و سیاست را در بر می گیرد.

تهدید نرم، تهدید های فرهنگی اجتماعی را شامل می شود و حوزه های عمل این نوع تهدید هنر و رسانه و علم و تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، ورزش و ... است. یکی از بخش هایش، بخش مدیریت اطلاعات^۸ است.

^۸ مدیریت اطلاعات به معنی به کارگیری مراحل و مهارت های مدیریتی مناسب و استفاده از ابزارهای مفید در فرایند تولید، فراهم آوری، سازمان دهی، پردازش، اشاعه و استفاده از اطلاعات درون سازمان و برون سازمانی در راستای دستیابی به اهداف و مقاصد سازمانی است.



اشراف اطلاعاتی کامل توسط دشمن به وسیله ماهواره ها^۱، و به وسیله سنجنده ها بر همه فعالیت ها، وجود دارد. مفهوم مهم دیگر جنگ روانی^۱ و تبلیغات است که اساساً جنگ روانی آنچنان در فضای جنگ نسل چهارم رشد و توسعه پیدا کرده است که میتوان گفت جایش را با جنگ نظامی عوض کرده است. توجه کنید، ما در دوران دفاع مقدس، عملیات جنگی که انجام می شد، کاری که بعد از عملیات می کردیم، از نتیجه پیروزی هایمان در بخش تبلیغات استفاده می کردیم تا هم روحیه مردم تقویت شود و هم روحیه رزمندگان.

^۱ کاربرد ماهواره به عنوان یکی از ابزارهای اصلی جنگ نرم: ماهواره ها در بسیاری از علوم و فنون (شامل بیوتکنولوژی، شیمی، فیزیک، مخابرات، هواشناسی، عملیات نجات در دریاها و...) مسایل نظامی (ماهواره های جاسوسی، آزمایش های هسته ای و میکروبی و استقرار پایگاههای نظامی فضایی) و ارتباطات رسانه ای ماهواره ای کاربرد دارند. از آن گذشته، ماهواره، به ویژه، یکی از وسایل ارتباطی است که پس از اختراع، به سرعت مراحل تکمیل و تکامل خویش را پشت سر گذارده و امروزه به عنوان یکی از ابزارهای منحصر به فرد در انتقال تصاویر و پیامهای رادیویی و تلویزیونی در جهان ارتباطات مطرح شده است.

ماهواره ها، در کنار دارا بودن کارکردها و ویژگی های دیگر رسانه ها و فناوری های نوین مثل اطلاع رسانی، ایجاد همبستگی، آموزش و سرگرمی ویژگی متمایزی نسبت به سایر رسانه ها دارد. بهره برداری چند منظوره از ماهواره، به دلیل ادغام و پوشش دادن رسانه های رادیو، تلویزیون و دیگر رسانه ها و سرعت آن در اطلاع رسانی (حتی بیش از سرعت اینترنت) دربرگیری آن را نسبت به سایر رسانه ها بیشتر کرده است. همین ویژگی خاص ماهواره است که منجر به گسترش جنگ نرم در دنیای کنونی شده است. در حال حاضر دریافت فرکانس های رادیو ها و تلویزیون های متعددی از طریق آنتن های ماهواره ای میسر شده است.

ابعاد مثبت و منفی ماهواره ها :

اکثر پدیده های جهان دو بعد دارند و می توان از آنها در جهت مثبت یعنی در جهت اعتلاء و ترقی در زمینه های مختلف، یا در جهت منفی یعنی در جهت نابودی یا انحطاط فکری و فرهنگی استفاده کرد. (رسانه ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. به ویژه پدیده ای چون ماهواره که به عنوان یک رسانه) و حتی به عنوان یک وسیله مخابراتی و ... از ماهیت چند سوئیکی برخوردار است.

یکی از کاربردهای وسیع به ویژه در چند سال اخیر، سرعت بخشیدن و بسط دادن به جنگ نرم است. شبکه های خبری رادیویی و تلویزیونی ماهواره ای، شبکه های ویژه طرفداران و مخالفان کشور، و حتی شبکه هایی که به ظاهر برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت مخاطب به طور شبانه روزی فعالیت می کنند، در کنار دیگر رسانه های مکتوب و اینترنتی به راحتی به ابزاری برای به راه انداختن جنگ نرم در قالب عملیات روانی، شایعه پراکنی، ایجاد جنگ روانی و تبلیغات سیاسی و ... تبدیل شده اند.

در واقع، پخش مستقیم ماهواره ای متضمن ابعاد مثبت و منفی بسیاری است. از جمله جنبه های مثبت آن می توان به برنامه های فرهنگی، آموزشی و اطلاع رسانی همگانی اشاره کرد. از سوی دیگر، امکان سوء استفاده از این فناوری برخی ملت ها را نگران کرده است؛ مداخله در امور داخلی، تبلیغات سیاسی و تجاری، تهاجم به اخلاقیات و ارزش های ملی و تجاوز به حقوق مالکیت معنوی از جمله این موارد است. (زمانی، ۱۱: ۱۳۸۱)

ابعاد مثبت ماهواره: ماهواره امکان ارتباط نقاط مختلف جهان را تسریع می کند و به ما امکان می دهد تصاویر دورترین نقاط جهان را مستقیماً مشاهده کنیم. ماهواره در زمینه های مختلف زمین شناسی، هواشناسی، نقشه برداری، گفت و گوهای تلفنی، تلکس، نمابر و ... به ما یاری می دهد. ماهواره وسیله ای است که ابناى بشر را با وجود اختلاف در نژاد، زبان، فرهنگ، نوع حکومت و غیره از احوال و اخبار یکدیگر آگاه می کند. امروزه بسیاری از برنامه ها و فیلم هایی که از طریق تلویزیون های داخلی پخش و عرضه می شود از طریق ماهواره ارسال می شوند و در دسترس تمام جهان قرار می گیرند. ۱- از طریق ماهواره می توان در کوتاهترین زمان ممکن و بدون نیاز به طی مسافت به دورترین سرزمین جهان سفر کرد و از اخلاق و عادات مردم آن سوی دنیا مطلع شد. ۲- سرعت و دقت ارائه اخبار. ۳- کم هزینه بودن. ۴- جلوگیری از هدر رفتن منابع انسانی و نجات جان انسانها. ۵- بهینه سازی ساختار اطلاع رسانی کشورها.

ابعاد منفی ماهواره: ۱- استفاده نظامی در زمان جنگ و افزایش ویرانی ها و خسارتها. ۲- ایجاد تفرقه و اختلاف بین اقوام مختلف از طریق برنامه های هدفمند فرهنگی و تمدید کردن حاکمیت ملی. ۳- به راه انداختن تبلیغات سیاسی و عملیات روانی. ۴- تهییج توده و تحت تاثیر قرار دادن آنها به نفع اهداف عده ای خاص و بالاخره. ۵- به راه انداختن جنگ نرم علیه دولت ها و کودتا و تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در جهت منفی با ارائه اخبار ضد و نقیض و تبلیغات منفی.

((وبگاه ارتباطات رنگی)) (www.ertebataterangi.blogfa.com)

^{۱۰}اصطلاح جنگ روانی در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن در کشور آمریکا رواج یافت. جنگ روانی از واژه هایی است که تا کنون تعاریف متنوع و گوناگونی بر اساس شرایط استفاده از آن ارائه شده است. ارتش آمریکا در مارس ۱۹۵۵ در آیین نامه رزمی خود تعریفی جالب از جنگ روانی در عرصه بین المللی ارائه کرد.

"جنگ روانی استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه های دوست به نحوی که پشتیبانی برای برآوردن اهداف و مقاصد ملی باشد." تعریف جامع تر از جنگ روانی: عبارت از فرایند بهره برداری صحیح و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اقدام هایی که هدف اصلی آن نفوذ در عقاید، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان (افراد دشمن، بیطرف و هم پیمان) و تاثیر گذاری بر آنان برای دستیابی به اهداف و مقاصد ملی باشد.

وظیفه عمده جنگ روانی از دیدگاه نظام سلطه: وظیفه جنگ روانی، تحمیل اراده ما بر اراده دشمن به منظور حاکم شدن بر اعمال آنان است از راه های غیر از راه نظامی و وسایلی غیر از وسایل اقتصادی.

همچنین یک سری دستاورد های سیاسی از آن به دست آید و استفاده شود تا در حوزه بین الملل به کار گیریم. اهداف جنگ روانی را باید بررسی مقدماتی کرد که به شرح زیر می آید:

در تدوین یک جریان خبری با استفاده از اصول جنگ روانی آنچه لازم است در ابتدا مورد توجه قرار گیرد. اهداف جنگ روانی است که عبارتند از :

- از بین بردن امید نزد مخاطبان، کشور و یا جناح مقابل
- بی اعتمادی نسبت به رهبران کشور یا جناح مقابل
- شکاف در بین جامعه مخاطب

طرفداران این نظریه معتقدند که جنگ روانی شامل هر عملی می شود که دشمن را وادار به خارج ساختن افراد و تجهیزات خود از عرصه فعالیت در جبهه کند و او را مجبور سازد تا افراد سلاح خود را برای آمادگی جهت مقابله به حمله ای که صورت نخواهد گرفت، درگیر کند . طرفداران این نگرش اغلب بر این باورند که تبلیغات جزء اصلی و اساسی جنگ روانی است نه همه آن.

((وبگاه علوم نظامی)) (www.mil.blogsky.com)

- مرعوب کردن مسوولان و نخبگان، تضعیف اراده عمومی، تلقین مکرر مطالب غیر واقعی برای تغییر درک مردم از واقعیات جامعه، تضعیف اعتماد به نفس مردم و سست کردن وحدت مردم و مسوولان و دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی، سیاسی از جمله اهداف جنگ روانی دشمنان ملت مسلمان است. ایجاد جنگ روانی یکی از اهداف اصلی و استراتژی نظام سلطه در میدان ناتوی فرهنگی است که می تواند در ضایع کردن توان وانرژی ملل جهان مؤثر باشد. مهمترین ابزارهای جنگ روانی: تلویزیون ها، رادیوها، خبرگزاری ها، مطبوعات، سایتهای خبری، پست الکترونیک. مهمترین مخاطبان جنگ روانی نیز عبارتند از: مردم، احزاب، سیاستمداران، گروهها، سازمانها و نهادهای دولتی و غیردولتی، دولتها، سازمانهای بین المللی. ولی امروزه جنگ روانی در واقع اصل عملیات شده است و جنگ نظامی تبدیل به عملیات پشتیبان جنگ روانی شده است. یعنی بکارگیری جنگ نظامی محدود شده است و در چهارچوب های سیاست های جنگی روانی به کار گرفته می شود، ولی ابزار جنگ روانی زیاد شده است و رسانه توسعه پیدا کرده است.

همانطور که راجع به جنگ روانی گفتیم، در سال ۱۳۷۴ حضرت آقا فرمودند تهاجم فرهنگی^{۱۱}.

^{۱۱} این مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه)، «من نام لم ینم عنه». اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنان هم در سنگر مقابل خوابش برده است، تو خوابت برده، سعی کن خودت را بیدار کنی، ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است. ما نبایستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه های جمعی ما در کتاب هایی که می نویسند، در ترجمه هایی که می کنند، در شعرهایی که می سرایند، در برنامه های فرهنگی علی الظاهر بی ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتاً شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می شنوید، همه جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد.

ولی از سال ۷۴ تا حالا آنقدر در این حوزه پیشرفت فناوری به وجود آمده که رسانه های مختلف و بسیار متنوعی ایجاد شده است. مثلاً یک مفهوم جدید به نام جنگ اینترنتی^{۱۲} پدید آمده است.

امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم، اگر شناختیم و خوابیدیم از بین رفته ایم. (مقام معظم رهبری، ۲۰ آذر ۱۳۷۰)
(پایگاه اینترنتی فصل آگاهی) ((www.fasleagahi.com))

^{۱۲} روزنامه واشنگتن پست در گزارشی خبر از انتشار جدیدترین راهبرد جنگ سایبری آمریکا داد. به گزارش این روزنامه مقامات وزارت دفاع آمریکا پس از مدت‌ها تاخیر در گزارشی که به کنگره ارائه دادند، اظهار نمودند اقدامات خصمانه سایبری ممکن است شامل «حملات سایبری مهم علیه اقتصاد، دولت یا ارتش آمریکا» گردد.

این راهبرد با ملزم دانستن استقرار سامانه‌های پدافندی بر اهمیت حملات بازدارنده تمرکز نموده است تا بدین ترتیب مانع موفقیت دشمنان در فضای سایبری گردد.

پنتاگون در گزارش اخیر اعلام می‌دارد دشمنانی که با حملات سایبری فلج‌کننده ایالات متحده آمریکا را تهدید می‌کنند، «خطر بزرگی را به جان می‌خرند».

در واقع، مقامات آمریکایی خاطرنشان ساختند در صورتیکه اقدامات بازدارنده مبتنی بر سامانه‌های پدافندی نتواند مانع از اقدام خصمانه دشمنان گردد، پنتاگون قابلیت پاسخ متقابل نظامی به دشمنان در فضای مجازی و دیگر حوزه‌ها را برای خود محفوظ داشته و حتی آن را توسعه خواهد داد.

((خبرگزاری مشرق نیوز)) (www.mashregnews.ir)

مفاهیم جدید دیگری مثل جنگ رسانه^{۱۳}، یا جنگ فرهنگی، یا از این نوع

^{۱۳} جنگ رسانه ای یعنی استفاده از رسانه ها برای تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاریها، رادیو، تلویزیون، اینترنت) و اصول تبلیغات به منظور دفاع از منافع ملی است. جنگ رسانه ای یکی از برجسته ترین جنبه های «جنگ نرم» SoftWar و «جنگ های جدید بین المللی» است. ماهیت اصلی جنگ رسانه ای، نفوذ و تأثیر گذاری بر افکار، عواطف، تمایلات و در نهایت رفتار مخاطبان است که با ابزار قواعد فنی و تکنیکی با در نظر گرفتن هدف، سطح، وسعت و نوع عملیات خود را طرح ریزی می کنند و به مرحله اجرا در می آورند. در این راستا از ابزارهای گوناگون و پیشرفته رسانه ای در گروه های مختلف دیداری، شنیداری و نوشتاری بهره مند می شوند و نیز از ابزارهای شناخته شده و در دسترس که امروزه با عناوین رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سایتهای اینترنتی، خبرگزاریهای بین المللی ماهواره و سایر وسایل ارتباط جمعی با آنها آشنا هستیم. به طور کلی در جنگ های نامتقارن و جدید، رسانه ها مهمترین ابزار تصویر سازی به شمار می روند و در فرایند تبدیل و تبدیل یعنی ایجاد دنیایی که تصویر جای واقعیت را می گیرد، نقش اساسی ایفا می کنند و قبل از هرگونه اقدام فیزیکی اعم از جنگ نظامی، اقدام رسانه ای و اقدام عملیات روانی را علیه کشور هدف خود اعمال می کنند تا ضمن نشان دادن قدرت خود، قدرت حریف خود را اندک نشان دهند. سربازان این جنگ در ظاهر، نویسندگان، خبرنگاران، مفسران، تصویربرداران، تولید کنندگان خبری و مطبوعاتی، کارگردانان، تهیه کنندگان و عکاسان رسانه ها هستند. سلاح و تجهیزات این سربازان نیز رادیو، تلویزیون و اینترنت، ماهواره، خبرگزاریها، دوربین ها، کاغذ و قلم و دستگاه های چاپ و نشر و... است؛ اما واقعیت این است که در پشت صحنه عملیات رسانه ای، سیاست رسانه ای قدرتها و نظام سلطه به مثابه راهبردار این حرکت قرار گرفته است که به صورت رسمی و سازمان یافته اما پنهان با اختصاص بودجه ای سری از سوی سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی و سرویسهای جاسوسی و تشکیلات ویژه نظامی هدایت می شود. بخش دیگری از متولیان و رهبران رسانه ها صاحبان پول و سرمایه ها هستند. آنان به منظور افزایش سرمایه های بی حد و حصر خود جنگ رسانه ای به راه می اندازند و ملتها را برای مصرف کالای خود و یا گرایش به سوی خود راهبری می کنند. آنچه مسلم است در جنگ رسانه ای، مدیریت تهدیدات رسانه ای در خنثی سازی و رویارویی با آن از اهمیت بسزایی برخوردار است و باید همکاری هماهنگ و نزدیک بخشهای نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه ای و عملیات روانی و تبلیغی یک کشور را در پی داشته باشد. با شناخت تهدیدات (موضوع تهدید، عامل تهدید، حوزه تهدید) و ابزارهای رسانه ای با ایجاد ساز و کار مناسب در سه جبهه حوزه خودی، حوزه حریف (عامل تهدید) و حوزه بی طرف همزمان به جنگ رسانه ای تهاجمی پرداخت و تأثیر تهدیدات رسانه ای دشمن را به حداقل رساند.

جنگ رسانه ای را از نظر منابع، ابزار و حوزه عمل می توان به شرح ذیل تقسیم کرد:

الف) انواع جنگ رسانه ای از نظر منابع و تبلیغات

۱ - تبلیغات سفید: از منابع شناخته شده استفاده و آن را معرفی می کند.

مباحث به صورت اختصاصی در فضای جنگ روانی مطرح شده است که در واقع مباحث کلی راهبردی در حال مطالعه در این حوزه می باشند.

۲- تبلیغات خاکستری: به هیچ منبعی اشاره نمی کند و برای مخاطبان مجهول است.
۳- تبلیغات سیاه: در ظاهر به هر منبعی غیر از منبع حقیقی آن نسبت داده می شود؛ به تعبیری منابع رسانه‌ها در تبلیغ کاملاً مشخص است ولی اینکه از کجاست، مشخص نیست و دشمن محسوب می شود و دست نیافتنی است.
ب) انواع جنگ رسانه‌ای از حیث ابزار عبارت است از:
به طور کلی برای موفقیت و تأثیرگذاری بیشتر در جنگ رسانه‌ای، هر کشوری که بتواند از ابزارهای بیشتر، پرحجم‌تر، مدرن‌تر و فناوریهای جدید رسانه‌ای و ارتباطی استفاده کند، خواهد توانست موفقیت بیشتری را برای عرصه جنگ رسانه‌ای تضمین کند. گرچه نسبت میان هر کدام از ابزارها و تأثیرگذاری حاکم بر آن و برد و جذابیت هر یک در جوامع مختلف متفاوت است و برای وزن دهی آن باید پژوهش جداگانه‌ای صورت پذیرد، صرفاً عمده ابزارهای شناخته شده و قابل دسترس به شرح ذیل معرفی می شود:

- ۱- رادیو
- ۲- تلویزیون
- ۳- اینترنت
- ۴- مطبوعات
- ۵- خبرگزاریهای بین المللی
- ۶- ماهواره‌ها
- ۷- سایر وسایل ارتباط جمعی
- ۶- تهدیدات جنگ رسانه‌ای

تهدیدزایی رسانه‌ها از طریق نقش این وسایل ارتباطی در تبلیغات، جنگ روانی و جنگ رسانه‌ای به ویژه با استفاده از انگاره‌سازی در شکل‌دهی افکار عمومی ملموس‌تر و ابعاد آن موضوعیتی بیشتر می‌یابد.

بنابراین جنگ رسانه‌ای را در جهت تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها برای به دست آوردن منافع تعریف می‌کنند. جنگ رسانه‌ای از برجسته‌ترین عوامل جنگ نرم به شمار می‌رود. با وجود اینکه جنگ رسانه‌ای بیشتر در میدان‌های نبرد نظامی کاربرد دارد از اهمیت آن در دیگر زمانها کاسته نمی‌شود؛ زیرا هدف جنگ رسانه‌ای کنترل و تغییر اذهان و افکار عمومی مردم و تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان است.

((پایگاه اینترنتی گرداب)) (www.gerdab.ir)

مفاهیم جدید در این حوزه در حال خلق شدن هستند. برای مثال در جنگ روانی یک مفهومی به نام افکار عمومی^{۱۴} تولید می شود. افکار عمومی در برابر تهدید می تواند بازدارنده باشد، و بعضی اوقات می تواند پشتیبان باشد. لذا شناخت مفهوم افکار عمومی در جنگ جدید کاملاً اساسی است. مثلاً در جنگ ۲۲ روزه غزه که رزمندگان حماس در غزه به صورت کامل در محاصره بودند و از طرف رژیم اشغالگر قدس دیوار بتونی وجود داشت و در طرف دیگر هم دریا و روبرویشان هم نیروهای نظامی وجود داشت.

^{۱۴} افکار عمومی در اصطلاح به نظر، روش و ارزیابی مشترک گروهی اجتماعی در رابطه با یک موضوع مورد توجه و علاقه همگان گفته می شود که در لحظه مشخص بین تعدادی از افراد یک قشر یا طبقه یا سراسر اجتماع به طور نسبی عمومیت پیدا کرده است. اصطلاح افکار عمومی در قرن هجدهم به منظور بیان افکار نخبگان فرانسه نسبت به پادشاه استفاده می شد و بعد از انقلاب فرانسه به معنای نظرات همه افراد (نخبگان و عموم مردم) نسبت به دولت و با عبارت افکار عمومی رایج شد. قبل از ظهور رسانه های همگانی، افکار عمومی در خصوص یک موضوع به کندی گسترش پیدا می کرد و اغلب در محدوده کوچکی مانند روستا یا منطقه باقی می ماند و یا از بین می رفت. با ظهور و گسترش تدریجی رسانه های همگانی امروزه افکار عمومی تا سطح بین المللی و جهانی توانسته بسط پیدا کند و به طور روزافزونی به دلایل مختلف از جمله نیاز دولت ها به مشروعیت بخشی خویش در نزد مردم، اهمیت پیدا کند. اهمیت افکار عمومی و نیاز به بررسی آن منجر به ابداع روش های بررسی و تحلیل افکار عمومی خصوصاً در قالب نظرسنجی شده و این روش ها به صورت یک رشته مستقل، هویت پیدا کرده است.

ابعاد و سطوح افکار عمومی

افکار عمومی را می توان به دو بخش بنیادی و نمادی تقسیم کرد. وجه بنیادی آن در واقع تمام علل و عواملی را در بر می گیرد که بنیان های زندگی جمعی را تشکیل می دهند و به عبارتی بخش سخت افزاری افکار عمومی محسوب می شوند. مانند عقاید مذهبی و ملی یک جامعه که در طول تاریخ شکل گرفته و قوام پیدا کرده است. بخش نمادی و نمایشی افکار عمومی تظاهرات و تجلی افکار عمومی به مناسبت یک رویداد یا در واکنش به یک امر خاص است. به عنوان مثال اعتراض یا واکنش افراد یک جامعه در برابر اهانت به مقدسات آن ها. بخش بنیادی افکار عمومی باید در سیاست گذاری عمومی مورد توجه قرار بگیرد و تمام بازیگران سیاسی نیز باید آن را به عنوان یک عنصر دائمی در کنش خود لحاظ کنند. بخش نمادی، هم مانند یک بازیگر عمل می کند و هم مانند یک نیروی فشار که ممکن است مورد استفاده یا سوء استفاده هر بازیگری قرار بگیرد.

((پژوهشکده باقر العلوم)) (www.pajoohe.com)

نقشه نوار غزه



ارتباطات آنها صرفاً فقط از طریق تونل های زیرزمینی^{۱۵} بود که رزمندگان را هم به بخش داخل فلسطین اشغالی و هم به بخش مصر وصل کرده بود که می توانستند تدارکات لجستیکی را انجام دهند.

^{۱۵}روزنامه فرانسوی لوفیگارو در گزارشی به قلم "ژرژ مالبرونو" با اشاره به شبکه پیچیده تونل های زیرزمینی که رزمندگان حماس برای ضربه زدن به نظامیان اسرائیلی از آن استفاده می کنند، نوشت:
بیش از ۱۰۰۰ تونل زیرزمینی به نیروهای حماس این امکان را می دهد که همه جا حضور داشته باشند بدون آنکه دیده شوند.

این گزارش با تشریح پیشینه احداث این تونلها، می افزاید: مدت زیادی بود که این تونلها وجود داشت، اما کسی آنها را ندیده بود، تا زمان انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ که مالکیت آنها تحت نظارت مسئولان سازمان های امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطینی قرار گرفت. تا پیش از این، این تونل ها برای حمل برخی اقلام از قبیل شیر، پوشاک، قطعات یدکی خودرو و دارو مورد استفاده قرار می گرفت اما از زمانی که حماس در سال ۲۰۰۵ کنترل غزه را در دست گرفت، کارایی این گذرگاه های زیر زمینی نیز تغییر کرد. در این دوره، مبارزان فلسطینی از این راهروهای زیرزمینی برای تامین سلاح استفاده کردند. ارتش اسرائیل نیز مبارزه علیه حفر این تونل ها در پیش گرفت. عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه در تابستان ۲۰۰۵ و قدرت گرفتن حماس در ژوئن ۲۰۰۷ موجب تقویت عبور سلاح، از قطعات راکت گرفته تا موشک های ضد هوایی و چندین تن تی ان تی و سایر مواد انفجاری برای پرتاب موشک های حماس به جنوب اسرائیل شد.

محمد یکی از ساکنان رفح می گوید: تا زمان عقب نشینی اسرائیل حفاری تونل تنها شبها صورت می گرفت چون روزها مردم از گشت زنی ارتش اسرائیل در هراس بودند. حفاری تونل به اصلی ترین فعالیت اقتصادی رفح تبدیل شده و شبکه ای برای توزیع تحت نظارت حماس با قوانین نرخ و حتی واژگان خاص خود شکل گرفت. گروه حفاری برای حفر هر متر تونل بطور متوسط ۱۰۰ دلار دریافت می کردند.

شمار ورودی های تونل های حفاری شده در خاک مصر به حدود ۸۵۰ و در رفح در طول چهارده کیلومتر به ۱۲۵۰ مورد می رسد. محمد با اشاره به پیچیدگی فزاینده کار در این تونل ها می گوید: در حقیقت تونل ها به دو شاخه تقسیم می شوند؛ در مصر ورودی تونل ها می تواند در مغازه ها باز شود یا در مزارع زیتون یا باغ بادام. یک نظامی فرانسوی در خاطرات خود در بازدید از صحرای سینا می گوید: از کف یک خانه احساس بوی خنک کردم، سوال کردم این بو از کجا می آید و به من پاسخ دادند معلوم است که این بو مربوط به یک تونل است. با کنار زدن کف پوش، تونلی را دیدم که عمق بسیاری داشت. برای فرو رفتن در این تونل ها از چرخ و طناب الکتریکی استفاده می شود. برخی تونل ها مجهز به تلفن داخلی برای برقراری ارتباط با سطح زمین اند. برای پرهیز از دستگاههای شناسایی برخی از آنها تا عمق ۳۰ متری زمین پیش می روند، اما برعکس قطر آنها تنها به اندازه یک انسان با در نظر گرفتن دست و پای اوست. از سال ۲۰۰۷ حماس کنترل تونل ها را در دست گرفت، ضمن اینکه به برخی مجریان اجازه داد، در ازای پرداخت مالیات سالانه ۱۰هزار دلار به حفر تونل بپردازند. از سوی دیگر سایر گروههای فلسطینی فعال ضداسرائیلی ضمن معافیت از پرداخت مالیات اجازه یافتند تونل حفر کنند. البته حماس بر عملکرد آنها و تامین سلاح از این طریق نظارت می کند و اگر کارگری بر اثر ریزش آوار کشته شود، حماس از مالک تونل می خواهد معادل ۲۰هزار یورو به خانواده قربانی پرداخت کند.

آمریکائی‌ها و اسرائیلی‌ها فکر می‌کردند که قبل از آمدن اوباما، می‌توانند مسئله غزه را حل کنند، آنهم به صورت کامل. عمده کمکی که ما توانستیم به رزمندگان غزه بکنیم، با بکارگیری ابزار روانی برانگیختگی دنیا را در حوزه افکار عمومی ایجاد کردیم که در واقع این برانگیختگی باعث شد که آتش بس به رژیم صهیونیستی تحمیل شود. یعنی یک مفهوم جدیدی از جنگ تولید شده که اگر ما ابزار قدرت و لوازم آن را داشته باشیم و بتوانیم آن را مدیریت کنیم، می‌تواند در جنگ تاثیر گذار باشد.

یعنی یک جایی جنگ را توسعه داده و یک جایی جلوی جنگ را بگیرد. که این در واقع بخشی از تاثیر عملیات روانی و فشار تولید شده توسط افکار عمومی به رهبران کشورها است و کاملاً مؤثر است.



تصاویری از تونل‌های زیر زمینی غزه



عکس هایی از تونل های زیر زمینی غزه

۴- تهدید فناوری سایبر

حوزه بعدی و فناوری بعدی، فناوری سایبری است، که فناوری سایبری هم روز به روز توسعه بیشتری پیدا می کند. یک روزی، وقتی ما از جنگ سایبری^{۱۶} صحبت

^{۱۶} به هدایت عملیات نظامی بر اساس قوانین حاکم بر اطلاعات و از طریق دنیای اطلاعات جنگ سایبر می گویند. هدف از این نوع جنگ تخریب سیستم های اطلاعاتی و ارتباطاتی است. تلاش این جنگ شناسایی مسابلی است که دشمن به شدت از آن محافظت می کند، این جنگ حرکتی در جهت تغییر "موازنه اطلاعات و دانش" به نفع طرف دیگر است، به خصوص اگر میان نیروها موازنه ای برقرار نباشد. در واقع در این جنگ به کمک دانش، سرمایه و نیروی کاری کمتری جهت غلبه بر طرف دیگر هزینه می شود. انقلاب اطلاعات باعث نابودی تدریجی سلسله مراتب می شود و معمولاً از محدودیت هایی که موسسات و سازمان ها را احاطه کرده، عبور می کند. این جنگ از فناوری های گوناگونی بهره می برد، از جمله فرماندهی و کنترل اطلاعات، توزیع و پردازش اطلاعات جهت دستیابی و برقراری ارتباطات تاکتیکی، تثبیت موقعیت و شناخت هویت دوست و دشمن در زمینه مبادلات سیستم های جنگی هوشمند. استفاده از این فناوری ها می تواند باعث اغفال، فریب و ایجاد اختلال در تجهیزات ارتباطاتی و اطلاعاتی دشمن شده و راهی جهت نفوذ به

آن پیدا کند.

جنگ سایبر می‌تواند نظریه‌ها و تره‌های جدید در زمینه انواع نیروهای مورد نیاز و این که چگونه و کجا باید آنان را مستقر و از آنها استفاده کرد تا بتوان به دشمن حمله ور شد را ارائه دهد. این که از چه نوع کامپیوترها، حس گرها، شبکه‌ها و پایگاه داده‌هایی استفاده کرد یا چطور از این منابع بهره برد و آنها را در چه موقعیتی قرار داد، همه و همه از جمله عوامل رقم زنده پیروزی و موفقیت در جنگ سایبری هستند و اهمیتی هم سطح با نحوه استقرار بمب افکن‌ها و عملیات پشتیبانی و لجستیکی دارند. جنگ سایبر را می‌توان "حمله رعدآسا"ی قرن بیستم در قرن بیست و یکم توصیف کرد. جنگ سایبری به احتمال قوی از جدی‌ترین چالش‌های امنیتی است که از طریق فضای مجازی به دولتها تحمیل می‌شود. مشابه با ابزارهای جنگ متعارف؛ از فناوری سایبری نیز می‌توان برای حمله به تشکیلات دولتی، زیرساخت‌های ملی انرژی و روحیه عمومی بهره جست.

((پایگاه اینترنتی تیبان)) (www.tebyan.net)

خلاصه گزارش موسسه چتم هاوس: در سالهای اخیر، دولتها و سازمانهای بین‌المللی بر امنیت سایبری تمرکز بیشتری نموده‌اند و از شرایط اضطراری آن کاملاً اطلاع دارند. در انگلیس، امنیت سایبری عمدتاً در راهبرد امنیت ملی و نشریه دفاع و امنیت راهبردی که در اکتبر ۲۰۱۰ به چاپ رسیده، مطرح شده است.

جنگ سایبری به احتمال قوی از جدی‌ترین چالش‌های امنیتی است که از طریق فضای مجازی به دولتها تحمیل می‌شود. مشابه با ابزارهای جنگ متعارف؛ از فناوری سایبری نیز می‌توان برای حمله به تشکیلات دولتی، موسسات مالی، زیرساخت‌های ملی انرژی، صنعت حمل‌ونقل و روحیه عمومی بهره جست. با این حال، هر چند برخی از اقدامات شاید تهاجمی و خصومت‌آمیز به نظر برسند، اما ضرورتاً نباید آنها را از مصادیق اقدامات جنگی دانست. بنابراین، تمییز قائل شدن بین حالت تهاجمی و غیرتهاجمی در فضای مجازی حائز اهمیت است.

بارزترین ویژگی جنگ سایبری تحول سریع تهدیدات است. نوع اقدامات تهاجمی و ویژگی‌های آن به اندازه خود بازیگران اهمیت دارد. برای مثال، فعالیت‌های سایبری گروه‌های تروریستی، جاسوسان و جنایتکاران سازمان‌یافته می‌توانند مخرب بوده و تهاجمی باشند. اما ضرورتاً از مصادیق جنگ سایبری تلقی نمی‌شوند. برای تعریف جنگ سایبری می‌توان از همان توصیف "جنگ نامتقارن" بهره گرفت- یعنی، نبردی که در آن ممکن است یکی از طرفین در جنگ متعارف ضعیف اما از لحاظ هوش و ذکاوت قدرتمند باشد اما طرف دیگر پرقدرت و در عین حال مغرور و انعطاف ناپذیر باشد. بارزترین ویژگی جنگ سایبری (امنیت سایبری به طور عام)، تحول سریع تهدیدات است. این تغییرات می‌توانند آنقدر ناگهانی و غیرمنتظره باشند که از همان ابتدا دور تسلسل عمل و عکس‌العمل در راهبرد سنتی را از حرکت بیاندازند. جنگ سایبری مدل بدون درد و خونریزی جنگ است این بحث جذاب اما خطرناک مطرح است که جنگ سایبری می‌تواند مدل "بدون درد" و "بدون خونریزی" جنگ باشد که البته نتایج مهمی را در پی خواهد داشت.

می کردیم، شاید در ذهنها یک جنگ فانتزی خیلی زیبا مطرح می شد یا می گفتند که در حد تئوری مطرح است. ولی امروزه، جنگ سایبری یک مفهوم واقعاً جدی پیدا کرده است. توجه کنید که ما در برنامه ۵ ساله پنجم مصوب مجلس داریم که ۶۰ درصد خدمات دولت به مردم باید از طریق زیرساخت فناوری اطلاعات صورت بگیرد. این ۶۰ درصد یعنی زیر ساخت سایبری، سایبری که خیلی از ما و خیلی از مسئولین زیر ساخت آن را نمی شناسیم و نمی دانیم چه حوزه هایی هست و مثلاً ما در سال گذشته شاهد این بودیم که آمریکائی ها نوع جدیدی از جنگ سایبری علیه

این مسئله به یک محیط رزمی نامتقارن و بی‌نظم منجر می‌شود که معلوم نیست در آنجا بتوان از معیارهای مشترک اخلاقی، هنجاری و ارزشی بهره گرفت. علاوه بر تشریح عملکرد مهاجمان مجازی و واکنش دولتهای مدافع و نیز تحلیل نتایج، روشها و ابزارهای جنگ سایبری، این گزارش مشخصات اصلی جنگ سایبری را به عنوان یک پدیده راهبردی برمی‌شمارد. از این رو، تعاریف زیر برای جنگ سایبری پیشنهاد می‌شود:

- جنگ سایبری می‌تواند بین دولتها یا از برخی جهات حتی بین بازیگران غیردولتی اتفاق افتد. در این جنگ، هدایت دقیق و مناسب نیروها بسیار دشوار است. هدف می‌تواند نظامی، صنعتی، غیرنظامی یا حتی فضای سروری باشد که مطمئناً به مشتریان بسیاری خدمات ارائه می‌دهد. بارزترین ویژگی‌های جنگ سایبری عبارتند از:

- جنگ سایبری به بازیگران این امکان را می‌دهد که بدون توسل به جنگ مسلحانه، به اهداف سیاسی و راهبردی خود دست یابند.

- فضای مجازی قدرت غیرواقعی به بازیگران کوچک و کم‌اهمیت می‌دهد.

- با استفاده از آدرس IP اشتباه، سرورهای خارجی و اسامی مستعار، مهاجمان می‌توانند در عین ناشناس بودن و مصونیت نسبی، برای مدت کوتاهی فعالیت کنند.

- در فضای مجازی، مرز بین نظامی و غیرنظامی و نیز فیزیکی و مجازی چندان روشن و شفاف نیست. از این رو، قدرت یا از طریق دولتها، بازیگران غیردولتی اعمال می‌شود یا از طریق پروکسی.

- در کنار سایر میادین سنتی نبرد مثل زمین، هوا، دریا و فضا، باید فضای مجازی را "پنجمین میدان نبرد" دانست. جنگ سایبری از اجزای جدید این محیط چندبعدی است اما کاملاً جدا از آن در نظر گرفته نمی‌شود. - در فضای مجازی، اقدامات شبه‌جنگی به احتمال زیاد همراه با سایر اشکال زور و منازعه رخ می‌دهد. اما، روشها و ابزارهای جنگ سایبری قطعاً متفاوت از سایر جنگها خواهد بود.

((اندیشکده شریف)) (www.ci.itan.ir)

ما را شروع کردند و در واقع بر علیه حوزه صنعتی ما جنگ سایبری شروع کردند. به وسیله ویروس استاکس نت^{۱۷} که احتمالاً دوستان اسمش را شنیده باشند.

^{۱۷} کرم رایانه کشف شده در ژوئن ۲۰۱۰ است. اهداف آن تجهیزات صنعتی زیمنس و در حال اجرا نرم افزار ویندوز مایکروسافت است. در حالی که اولین بار نیست که هکرها سیستم های صنعتی را مورد هدف قرار داده اند.

این کرم در ابتدا یکسره گسترش می یابد، اما اختصاصاً برای حمل و نقل بسیار تخصصی نرم افزارهای مخرب طراحی شده است که تنها برای هدف قرار دادن سیستم (SCADA) سیستم کنترل نظارتی زیمنس و اکتساب داده هایی که پیکربندی شده و برای کنترل و نظارت بر فرآیندهای صنعتی خاص است، به کار میرود.

PLC های آلوده به Stuxnet توسط اختلال در نرم افزار کاربری از کار می افتند. انواع مختلف از Stuxnet به پنج سازمان ایرانی با هدف احتمالی به طور گسترده ای مشکوک به زیرساخت های غنی سازی اورانیوم در ایران حمله کرد.

سیمانتک اشاره کرد که در ماه اوت سال ۲۰۱۰ استاکس نت ۶۰٪ از کامپیوتر های آلوده در سراسر جهان در ایران راه هدف قرار داده است و زیمنس اعلام کرد در تاریخ ۲۹ نوامبر این کرم هر گونه صدمه به مشتریان خود ایجاد می کند. اما برنامه هسته ای ایران، که با استفاده از تحریم زیمنس تجهیزات تهیه مخفیانه، توسط Stuxnet آسیب دیده اند.

آزمایشگاه کامپیوتر شرکت امنیتی روسی کسپرسکی نشان داد که حمله پیچیده تنها با پشتیبانی یک دولت میتوانسته انجام شود. این بود که توسط شرکت فنلاندی امنیت کامپیوتر حمایت F - Secure و "رئیس محقق میکو هیپونن در پرسش و پاسخ Stuxnet به اظهار نظر، "این چیزی است که آن را مانند، بله نگاه کنید" کارشناسان بر این باورند که اسرائیل و ایالات متحده ممکن است درگیر این ماجرا باشند."

((پایگاه اینترنتی پایداری ملی)) (www.paydarimelli.ir)

از راه های دور یک ویروس را به داخل نیروگاه برق ما، در بخش دیسپاچینگ و کنترل^{۱۸} می فرستند. در واقع یک اختلاف بین اطلاعات پشت صفحه و اطلاعات روی صفحه ایجاد می کند. این اختلاف با دستورات تخریبی باعث می شود که مثلاً توریین از کار بیفتد و یا اتصال الکترونیک رخ بدهد و به دنبال این اتصال شدید انفجار و یا آتش سوزی و قطع شبکه رخ دهد یا اتفاقی خارج از این حوزه که در حوزه های دیگر هم بود.

^{۱۸} دیسپاچینگ یک لغت لاتین است که معنی آن : تعیین مسیر کردن و ارسال کردن انرژی از نیروگاه تا محل های مصرف می باشد. اما بصورت عمومی به معنی مرکز راهبری و کنترل شبکه برق است که علاوه بر آن وظایف جانبی دیگری هم دارد. وظایفی چون : نگهداری و اصلاح و بهینه سازی سیستم های گوناگون مخابراتی و اسکادای صنعت برق نظیر: PLC ، تلفن و مرکز تلفن ، بی سیم ، مایکروویو و سیستم های فیبر نوری. در شبکه برق ، سیستم مخابراتی PLC بر روی دکل های برق نصب شده که بدون هیچ پیش شماره ای تنها با گرفتن چهار شماره و در صورت تعریف مسیر می توان با پست های دیگر مراکز ارتباط داشت.

به طور روشن و واضح، کار مرکز دیسپاچینگ این است که اگر شبکه های انتقال نیاز به تعمیر داشته باشند . اگر مشکلی برای ایستگاهها پیش بیاید و نیاز به حضور گروه ها در ایستگاه ها باشد و یا پست های برق احتیاج به سرویس پیدا بکنند و همینطور کاهش و افزایش ولتاژ شبکه و هدایت و مدیریت خاموشی ها در سطح کلان، اموری هستند که مدیریت آن بر عهده دیسپاچینگ هست.

برق دار شدن ترانس ها، خطوط، پیگیری و اعزام گروه های عملیاتی و تعمیراتی بر عهده دیسپاچینگ است و در یک جمله می توان گفت : حفظ پایداری و بهره برداری بهینه از شبکه برق بر عهده مرکز دیسپاچینگ می باشد. ((پایگاه اینترنتی شرکت سهامی برق منطقه مازندران))

در واقع نشان می دهد که بحث سایبر دیگر از حالت فانتزی بیرون آمده و در حوزه ای آمده است که نمی توان با آن جنگید. وقتی با یک ویروس^{۱۹} که از آن

^{۱۹} **ویروس** یک قطعه نرم افزار کوچک بوده که بر دوش یک برنامه حقیقی حمل می گردد. مثلاً یک ویروس میتواند خود را به برنامه ای نظیر واژه پرداز متصل (الحاق) نماید. هر مرتبه که برنامه واژه پرداز اجراء می گردد، ویروس نیز اجراء و این فرصت (شانس) را پیدا خواهد کرد که نسخه ای از خود را مجدداً تولید (الحاق یک نسخه از خود به سایر برنامه ها) و با یک خرابی عظیم را باعث گردد.

اگر کسی چیزی در مورد کامپیوترها نداند این را می داند که ویروسها مخرب هستند و باید کامپیوتر خود را در برابر هجوم آنها حفاظت کند. سناریوی پخش یک ویروس جدید در اینترنت و عکس العمل شرکت های آنتی ویروس در برابر آن به صورت زیر است:

- ابتدا یک ویروس به طور متوسط صد هزار کامپیوتر را مورد هجوم قرار می دهد .
- سپس شرکت های آنتی ویروس شروع به ساختن پکیج برای آنها می کنند .
- در مرحله بعد این پکیج در اختیار عموم قرار می گیرد.

به طور کلی می توان آلودگی های الکترونیک را این گونه دسته بندی کرد:

ویروس های رایانه ای: یک ویروس رایانه ای برنامه است که بر روی برنامه های حقیقی سوار می شود. برای نمونه یک ویروس می تواند خود را به برنامه ای مثل یک برنامه "صفحه گسترده" متصل کند.

هر بار که "صفحه گسترده" اجرا می شود، ویروس هم اجرا می شود و این شانس را دارد که دوباره تولید شود.

ویروس های پست الکترونیکی: یک ویروس ای میلی معمولاً در پیام ای میل حرکت می کند و خودش را با ارسال خودکار به لیست نشانی هایی که در میل باکس قربانی وجود دارد تکثیر می کند.

کرم های رایانه ای: یک کرم رایانه ای برنامه ایست که از شبکه های کامپیوتری و حفره های امنیتی برای تکثیر خود استفاده می کند. یک کپی از کرم شبکه را برای ماشین دیگری که حفره امنیتی مشخصی دارد جست و جو می کند و با یافتن حفره امنیتی در ماشین جدید خود را در آن جا هم کپی می کند. با راه یافتن کرم به ماشین جدید چرخه دوباره تکرار می شود و کرم دوباره از این جا در ماشین های جدید کپی می شود.

اسب های تروا: یک اسب تروا تنها یک برنامه کامپیوتری است. این برنامه اعلام می کند که کار خاصی انجام می دهد؛ مثلاً می گوید که یک بازی است اما هنگامی که توسط کاربر اجرا می شود به ماشین صدمه وارد می کند؛ مثلاً هارد دیسک ماشین را پاک می کند.

طرف دنیا می توانند آن را به اینجا بفرستند، یک دریچه سد یا نیروگاه ما را منفجر کنند، و آن را از بین ببرند، این ویروس کار یک بمب را انجام می دهد، و خیلی با هم فرقی ندارند، لذا، ما نمی دانیم، با چشم بسته به این حوزه برویم و از آن استفاده کنیم، و باید بدانیم که این مفهوم یک مفهوم کاملاً جدی است. ویژگی های سایبر این است که جنگ سخت در حوزه جنگ نسل چهارم، دیگر به صورت کامل نیست، یک بخش و جزء مکمل جنگ نرم است، در واقع جنگ سخت هم به صورت مکمل وجود دارد.

خانم کلینتون که وزیر خارجه آمریکا است، در تعریف این موضوع می گوید: ما از یک مفهوم به نام Smart Power یا قدرت هوشمند^{۲۰} استفاده می کنیم. می گوید قدرت هوشمند یعنی «بکارگیری همه مؤلفه های قدرت کشور» (منظور آمریکا می باشد) و در برشماری این مفهوم می گوید:

ویروس های رایانه ای به این دلیل ویروس نامیده می شوند که با ویروس های بیولوژیک شباهت های زیادی دارند؛ مهم ترین شباهت این دو این است که هر دو از یک میزبان به میزبان دیگر منتقل می شوند. یکی دیگر از ویژگی های این دو این است که هر دو برای تکثیر شدن به یک میزبان نیازمندند و به تنهایی خطری را متوجه هیچ کس نمی کنند. یک ویروس رایانه ای هم برای این که تکثیر شود باید بر روی یک برنامه سوار شود. ((وبگاه لینک باکس)) (www.bestlinkboxes.iranblog.com)

^{۲۰} قدرت هوشمند:

هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا هنگام ادا شهادت در مجلس سنا برای دریافت رأی اعتماد گفت:

" ما باید از سیاستی استفاده کنیم که قدرت هوشمند نامیده می شود. این سیاست دامنه کاملی از وسایل و تدابیر (دیپلماتیک ، اقتصادی ، نظامی ، سیاسی ، قانونی و فرهنگی) را در اختیار ما قرار می دهد . ما می توانیم بهترین وسیله و تدبیر یا ترکیبی از آنها را برای هر وضع خاصی بکار گیریم. با قدرت هوشمند، دیپلماسی در رأس سیاست خارجی ما قرار خواهد داشت. کلینتون بر این امر تأکید نمود که عاقلانه ترین راه این است که ابتدا از سیاست ترغیب و تشویق استفاده کنیم . "

قدرت نظامی، قدرت فرهنگی، قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت فعالیت بین الملل، قدرت حقوقی، قدرت قانونی و سایر قدرت ها. یعنی هر مؤلفه ای که قدرت دارد از آن استفاده می کنند و با یک کشور برخورد می کنند. هیچ جایی نگفته اند که ما از قدرت نظامی استفاده نمی کنیم و یا گفته باشند حتماً. در واقع یک ترکیبی، هوشمندانه از مؤلفه های قدرت را به کار می گیرند. مفهوم آن برای ما این است که تهدید، یک تهدید همه جانبه شده است نه فقط نظامی.

بینید جنگ نسل سوم، ما در چیزی که مقایسه می کردیم، یعنی کشور خودمان را با کشور عراق، حوزه جنگ ما نوار مرزی بود، یک مقدار این طرفتر تحت تأثیر بود، مثلاً هواپیما می آمد و اینطرف را بمباران می کرد، و مثلاً یزدی ها هیچ آثاری را از جنگ ندیدند که هواپیما بیاید و بمباران کند.

بعد سختی و فشار کشور هم به آنها می رسید و یا اگر می خواستند کمک کنند، کمک می کردند. ولی شهر یزد و بدنه اصلی کشور تحت تأثیر مستقیم فشارهای اصلی جنگ نبود ولی در تهدیدات جدید این طور نیست.

در چنین فرآیندی «نوعی مدیریت هوشمند» وجود دارد که با شرایط جدید، تاکتیک ها و اقدام های جدیدی را برای کشور مهاجم تجویز می کند. "

مبنای این تغییر را «باراک اوباما» قبل از حضور در کاخ سفید در اوت ۲۰۰۷م. طی مقاله ای در نشریه ی «فارین افیرز» با طرحی به نام «بهره گیری از قدرت نرم از سوی آمریکا در تقابل با مخالفان» اعلام کرده بود. پیش از وی نیز ((هیلاری کلینتون))، وزیر خارجه ی ایالات متحده در شماره ی ماه دسامبر همان نشریه، مقاله ای تحت عنوان ((قدرت هوشمند)) به چاپ رساند.

وی در این مقاله از سه رکن کلیدی قدرت هوشمند، یعنی شبکه ی «متحدین پایدار»، «سازمان های بین المللی» و «ارزش های آمریکایی» نام می برد. دولت اوباما قدرت نظامی را با نفوذ دیپلماسی ترکیب کرده و نفوذ سیاسی و اقتصادی را با نفوذ فرهنگی و مانورهای قانونی همراه و ممزوج نموده و نام آن را قدرت هوشمند گذاشته است. این تدبیر شکلی از سیاست است که مشکل بتوان آن را طبقه بندی کرد و آن را تمیز داد و به اجزاء متشکله اش تجزیه کرد.

((پایگاه اطلاع رسانی برهان)) (www.borhan1390.blogfa.com)

حالا ببینید ما در جنگ و تهدیدات قدیم کشور را چگونه مدیریت می کردیم. یک ساختار بود به نام ساختار قرارگاه خاتم که کشور را اداره می کرد. قرارگاه نجف و کربلا و مثل اینها را در داخل سپاه داشت و جنگ را اداره می کرد. در واقع نظامی ها جنگ را اداره می کردند. دولت در آن موقع چه کار می کرد؟

دولت می گفت: دولت مردم را اداره کند، پشتیبانی از جنگ می کنم. نخست وزیر وقت در آن زمان بزرگترین افتخارش این بود که من از جنگ پشتیبانی می کنم. حالا بعد اتفاق می افتاد که کسانی که در جنگ بودند می دیدند ما با چقدر مشکل مواجه بودیم، ولی دولت خودش نمی گفت من می جنگم. یعنی نمی جنگید، پشتیبانی می کرد و کس دیگری می جنگید و دولت از آن پشتیبانی می کرد.

ولی در جنگ جدید، همه حوزه کشور در تهدید قرار می گیرد. یعنی ما باید توجه کنیم که کل جغرافیای کشور تحت تأثیر قرار می گیرد. فرقی بین طبس و شلمچه وجود ندارد از نظر اولویت فرقی بین مثلاً رشت و خرمشهر وجود ندارد. به اندازه اهمیت مرکز، نسبت پایداری کشور این هدف می تواند ارتقاء پیدا کند و جزو لیست اهداف قرار بگیرد. پس مدل دفاع اینجا در برابر این تهدید چیست؟ یعنی هم باید مسئولین دولت بجنگند و هم باید دفاع کنند.

یعنی هم ممکن است موشک باران و بمباران شود و هم همزمان باید دفاع کند و همزمان هم کارکرد دستگاه تداوم یابد. پس ما در واقع در برابر جنگ جدید و تهدید جدید و مدل جدید جنگ نیازمند چه هستیم؟

نیازمند این هستیم که دستگاه های دولتی و دستگاه های اجرایی هم، همزمان با بقیه، مدل دفاعی داشته باشند و بدانند که چگونه در برابر تهدید باید بجنگند. حالا من نمونه هایش را اشاره می کنم. ما وقتی که اینها را بررسی می کنیم، می بینیم که امروز تهدیدات، تهدیدات همه جانبه شده است.

۵- سایر تهدیدات نوین

ما امروز، یک تهدیدی داریم به نام تهدید سایبری که زیر ساخت های ارتباطی، زیر ساخت های صدا و سیما، زیر ساخت های بانکی، زیر ساخت های صنعتی و می توان گفت که تمام زیر ساخت های ما را تحت تأثیر قرار می دهد، اگر ما نتوانیم در آنجا ایمن سازی و دفاع بکنیم در برابر آن تهدید طبیعتاً آسیب پذیر هستیم.

ما امروز تهدیدی داریم به نام تهدید اقتصادی^{۲۱}، که مقام معظم رهبری امسال

^{۲۱} شما در حال جنگید الآن. یک جنگی است که جنگ اقتصادی است، و یک محاربه‌ای

است. حضرت امام خمینی (ره)، اگر امروز بخواهیم جنگ را تعریف کنیم باید بگوییم که امروز کشور ما درگیر یک جنگ اقتصادی است و مدل جدیدی در جنگ اقتصادی علیه ما در حال اجراست و این مساله خود را در تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان به خوبی نشان می‌دهد. تشکیل مرکزی برای جنگ اقتصادی آمریکا توسط وزارت خزانه داری، ایجاد محدودیت برای شبکه بانکی، تعیین سقف برای دریافت منابع فاینانس، کنترل معاملات اقتصادی همسایگان ایران و توقیف شرکتهایی که با ایران مناسبات مالی و تجاری دارند نمونه‌هایی از جنگ اقتصادی واشنگتن علیه تهران است که جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ اقدامات پدافندی و احتیاطی توانسته است به خوبی تهدیدات را رفع و از ظرفیت‌های جدید اقتصادی استفاده کند. آمریکا به طور رسمی وارد جنگ اقتصادی با ایران شده است. مقابله اقتصادی دشمنان با ایران به عنوان یک عنصر تهدید کننده مهم برای کشور به شمار می‌رود. در گذشته حمله نیروهای نظامی به زیر ساختهای اقتصادی، جنگ اقتصادی نامیده می‌شد اما امروز، حمله با ابزار اقتصادی، فناوری و تکنولوژی به مولفه‌های اقتصادی کشوری دیگر جنگ اقتصادی نامیده می‌شود. امروزه دولت‌های متخاصم برای ضربه زدن به ساختار اقتصادی کشورهای دیگر از شیوه‌ها و ابزارهای جدیدی استفاده می‌کنند که دارای اثرات فلج کننده‌ای است. محاصره اقتصادی کوبا، کره شمالی و عراق را نمونه‌هایی از جنگ اقتصادی واشنگتن علیه کشورهای مخالفش به شمار می‌رود. محاصره اقتصادی عراق از سال ۱۹۹۱ شروع و تا زمان سقوط رژیم صدام ادامه یافت که طی آن، بغداد با شرایط اقتصادی سختی مواجه شد و همه بخش‌های سیاسی و اجتماعی عراق نیز از این تحریم تاثیر گرفت و دولت عراق به شدت تضعیف شد. یکی از دلایل مهم موفقیت آمریکا در تحریم عراق، موقعیت ژئوپلیتیک این کشور بود که محاصره عراق را تسهیل می‌کرد. جنگ اقتصادی محور اصلی تهدید آمریکا علیه ایران است. راهبرد اصلی آمریکا در مقابله با ایران تضعیف توان اقتصادی کشور است. تاکنون سه قطعه‌نامه علیه ایران منتشر شده که محتوای هشتاد درصد آنها اقتصادی است. تحریم تکنولوژی، تحریم بانکی، تحریم پولی، محاصره بنادر و بازرسی بنادر و کشتی‌ها همگی ماهیتی اقتصادی داشته و برای محاصره اقتصادی ایران انجام می‌شود. واشنگتن بخشی را در وزارت خزانه داری ایجاد کرده است که وظیفه اجرا، کنترل، نظارت و مدیریت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را برعهده دارد. این مجموعه، فعالیت‌های اقتصادی را رصد و اجرای مفاد قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را پیگیری می‌کند و همچنین طراحی مدل‌های جدید و کامل‌تر تحریم اقتصادی ایران را نیز در دستور کار دارد. آمریکا مدل تحریم اقتصادی هوشمند علیه ایران را دنبال می‌کند و سیاستمداران آمریکایی نیز به اجرای این سیاست اذعان کرده‌اند.

((پایگاه اینترنتی پایداری ملی)) (www.payfarimelli.com)

را سال جهاد اقتصادی در برابر این تهدید اقتصادی قرار دادند، که وقتی ما در تهدید اقتصادی هستیم، محاصره می شویم،

تحریم می شویم و مانند اینها باید یک جهادی شکل بگیرد که در برابر این تهدید بتواند پاسخگو باشد. تهدیدی داریم به نام تهدید نرم و فرهنگی. تهدیدی داریم به نام تهدید بیولوژیک^{۲۲} مثلاً شاهد این هستیم که در حوزه کشاورزی، در حوزه بهداشت و درمان، در حوزه غذا، در حوزه انسان و دام شاهد حوادثی هستیم که اگر ما یک نظام دفاعی بیولوژیک داشتیم می توانست آن را تجزیه و تحلیل کند

^{۲۲} تهدید بیولوژیک عبارتست از سوء استفاده از عوامل میکربی یا فراورده های آنها یا به عبارت جامع تر ، استفاده از عوامل بیولوژیک، به منظور هلاکت انسانها و نابودی دامها یا گیاهان و هر چند افکار و ایده های استفاده از عوامل بیولوژیک به عنوان یک ابزار تهدید قوی و موثر، در سطح محدودی از دیرباز سابقه داشته است ولی اخیراً در سطح وسیعی در محافل پزشکی و بهداشت، مطرح گردیده است. بیش از بیست جنگ افزار بیولوژیک را شناسائی و براساس میزان کارائی آنها، طبقه بندی نموده اند و جدیدت موضوع در حدی ست که برخی از کشورها به تولید این سلاح ها پرداخته و بعضی دیگر، پرسنل ارتش خود را علیه برخی از عوامل میکربی بیوتروریسم، واکسینه کرده جهت ارتقاء آگاهیهای عمومی و مخصوصاً افراد در معرض خطر، قدمهای موثری برداشته اند.

جنگ افزار بیولوژیک (Biological weapon) عبارتست از وسیله ای که به منظور انتشار عمدی ارگانیسم های مولد بیماری یا فراورده های آنها توسط غذا، آب، حشرات ناقل یا به صورت افشانه (آئروسول)، به کار برده میشود. جنگ بیولوژیک (Biological warfare) عبارتست از استفاده از عوامل بیولوژیک، اعم از باکتریها، ویروسها ، گیاهان، حیوانات و فرآورده های آنها به منظور اهداف خصمانه.

ولی در عمل، واژه " بیوتروریسم" را هم به معنی ارباب و هم به مفهوم جنگ بیولوژیک، مورد استفاده قرار میدهیم. هرچند بیوتروریسم، یکی از معضلات نوپدید بهداشت عمومی و عامل تهدید کننده کنترل عفونت، به حساب می آید.

((وبگاه ناوک)) (www.delkhoodoon.blogfa.com)

که چرا ۴ ماه گذشته یک بیماری در منطقه قزوین و منطقه غرب تهران و استان مرکزی تمام مرغ های تخم گذار را از بین برده است و ما با یک کمبود جدی تخم مرغ مواجه شدیم که حالا بخش بازرگانی تخم مرغ را از ترکیه وارد کرده ولی قیمت آن تا ۳ برابر افزایش یافت.

در واقع این تهاجم بیولوژیک به زیرساخت های غذایی ما شده است. یا مثلاً آنفولانزای مرغی، یا آنفولانزای خوکی^{۳۳} یا سایر انواع آنفولانزاها که دیدیم ناگهان فراگیر شد و بعد وقتی که سرم آن را فروختند، ناگهان خاموش شد، نشان می دهد که بحث اصلاً بحث پزشکی نیست. بحث بحث تهدید در این حوزه هست و ما بایستی دارای قابلیت های دفاعی در این حوزه باشیم وگرنه بازیچه دنیا قرار می گیریم.

۳۳ آنفولانزای مرغی

آنفولانزای مرغی ماکیان را مبتلا می کند و عامل آن ویروس است. که با ساختار فیزیکی پرندگان سازگار شده است. با وجود اینکه این بیماری مخصوص ماکیان است، اما در سالهای اخیر ظاهر این ویروس به گونه های دیگر جانداران نیز منتقل شده و موجب ابتلای انسانها به این بیماری شده است. در مقابل، ویروس آنفولانزای فصلی بویژه با بدن انسان سازگار میشود. بر خلاف آنفولانزای مرغی، آنفولانزای فصلی به آسانی از فردی به فرد دیگر منتقل می شود و هر ساله جان صدها هزار تن را می گیرد. طبق گزارشها و آمارهای بدست آمده، از آخرین پژوهش ها تا کنون ۱۷۰ تن به بیماری آنفولانزای مرغی مبتلا شده اند که حدود ۹۲ نفر آنها جان باخته اند و تقریباً تمام آنها از منطقه شرق آسیا بوده اند. این ویروس اغلب در فضولات پرندگان یافت می شود و مرغدارانی که این ویروس را تنفس می کنند به آن مبتلا می شوند. انتقال بیماری از انسان به انسان بسیار به ندرت اتفاق می افتد. آنچه این بیماری را برای انسان خطرناک می کند، این است که ویروس آن به شکلی دچار جهش ژنتیکی و تغییر رفتار شود که بتواند از انسان به انسان دیگر منتقل شود. در نتیجه این امر، شیوع بیماری بسیار گسترده خواهد شد.

خطرناکتر از این وضعیت آن است که ویروس مرغی بتواند فردی را آلوده کند که همزمان به بیماری آنفولانزای انسانی مبتلا است در صورتی که ژن های ویروسهای مرغی و انسانی در این شرایط با یکدیگر ترکیب شوند ویروس می تواند از فردی به فرد دیگر منتقل شود و در نتیجه یک آنفولانزای عالم گیر شایع خواهد شد.

هر موقعی که دلشان خواست یک ویروس را منتشر می کنند و هر موقع که دلشان خواست آن را متوقف می کنند. آن موقع که منابعش را نداشته باشیم. این به ما چه می گوید؟ این به ما می گوید که امروز دفاع از کشور یک مفهوم دفاع همه جانبه است، دفاعی که فقط به وسیله نیروهای نظامی شکل بگیرد نیست. نظامی ها می توانند محور و هسته ای باشند برای اینکه بتوانند تهدید را تجزیه و تحلیل کنند و تمرکز کنند و دنبال کنند ولی دفاع باید دفاع همه جانبه باشد. امروز وقتی که انسجام ملی ما، وقتی که جدا کردن بین مردم و حکومت هدف اصلی دشمن می شود کجا بیشتر از صدا و سیما در این زمینه سهم دارد؟ و اصلاً نظامی ها می توانند از این حوزه دفاع کنند؟ اصلاً این حوزه اقدام برای آنها نیست.

در واقع این یک تهدید جدی و بسیار پرخطری است ولی کارکردش در حوزه رسانه است. یعنی رسانه یک ابزار دفاعی در برابر این نوع تهدید است و یک ابزار تهاجمی در حوزه کارکرد خودش است.

امروز رسانه نمی تواند بگوید: من به دفاع ربطی ندارم. من به امورات رسانه ای و سرگرمی مردم ارتباط دارم و حوزه من فقط بازی و سرگرمی است. این طور نیست. امروز، رسانه ماهیتاً خودش یک بخش دفاع است.

تقریباً هیچ فردی به طور طبیعی در برابر ویروس جدید مصونیت نخواهد داشت. در حالی که این ویروس می تواند ظرف ۶ ماه به همه مناطق جهان برسد.

آنفلوآنزای خوکی

آنفلوآنزای خوکی (swine flu) یا آنفلوآنزای نوع A یک بیماری تنفسی و ناشی از ویروس آنفلوآنزایی نوع A است که باعث شیوع آنفلوآنزا در میان خوکها می شود. ویروس آنفلوآنزای خوکی به طور طبیعی انسانها را آلوده نمی کند. اما مواردی از عفونت انسانها با ویروسهای آنفلوآنزای خوکی و انتشار انسان به انسان آنها گزارش شده است. به گفته کارشناسان CDC این نوع جدید ویروس قابلیت انتقال انسان به انسان را دارد، اما هنوز روشن نیست که آیا انتقال انسان به انسان این ویروس آنقدر ساده هست، که یک همه گیری جهانی (پاندمی) آنفلوآنزا به وجود آید یا نه. چنین همه گیری جهانی ممکن است به مرگ میلیونها نفر بینجامد، چرا که بدن انسانها ایمنی لازم برای مقابله با این ویروس جدید را ندارد.

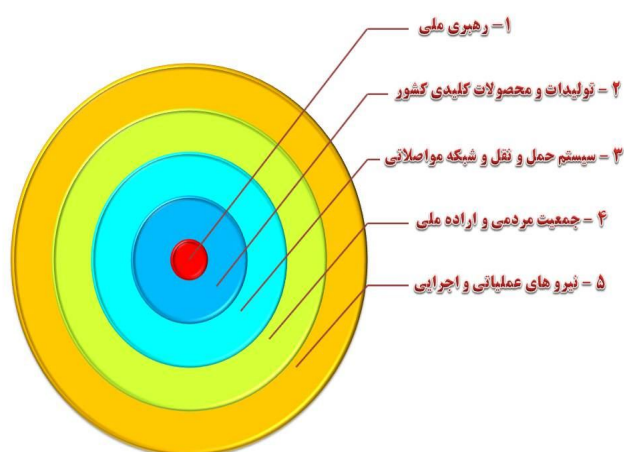
((پایگاه اینترنتی سیمرغ)) (www.seemorgh.com)

اگر قرار است از انسجام ملی دفاع شود، اگر قرار است رابطه بین مردم و دولت که یک رابطه بسیار اساسی است، حفظ بشود حتماً اساسی ترین محور آن، محور رسانه و صدا و سیما است.

این مدل تحقیق که شکل گرفته است، نشان می دهد که ما باید در تمام این این حوزه ها برای خودمان یک پلان و طرح دفاعی داشته باشیم. این دفاع چگونه باشد؟ با چه چارچوبی باشد، باید راجع به آن موضوع و چارچوب صحبت کنیم. در واقع می خواهیم بگوئیم که دفاع از کشور در برابر تهدیدات که تهدیدات همه جانبه است، باید دفاع همه جانبه باشد، به شکلی که هر کسی مواظب خودش باشد.

مدل تصویری نظریه حلقه های استراتژیک واردن

آقای سرهنگ جان واردن، افسر نیروی هوایی امریکا بوده و برای حمله کردن به کشور های دیگر یک مدل ارائه داده است. او می گوید اگر بخواهید یک کشور را منهدم کنید باید چکار کرد. در این مدل کشور را به یک انسان تشبیه کرده اند.



حلقه های استراتژیک واردن

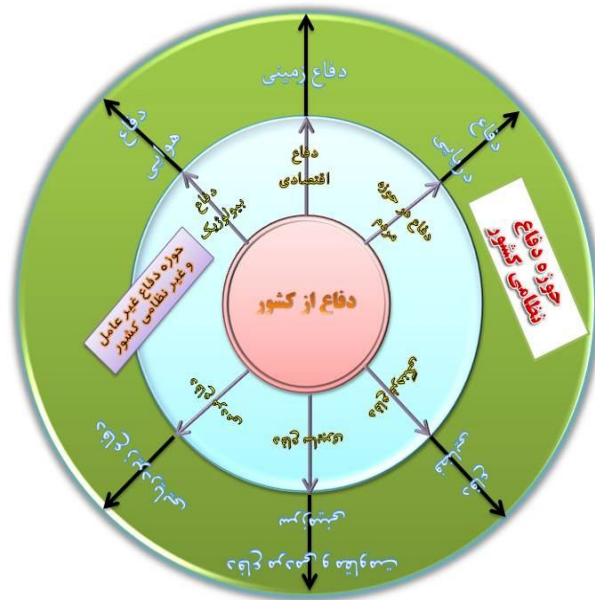
می گویند، یک کشور یک سیستم یکپارچه است مانند بدن انسان که یک سیستم یکپارچه است. بعد بخش های یک کشور را در قالب ۵ تا حلقه داخل هم و متحد المرکز قرار داده اند، و در این حلقه های ۵ گانه، در واقع موضوع بحث نحوه برخورد با یک کشور یا کشور ها طراحی و ابداع شده است. اگر شما دقت کنید می بینید که، از این مدل ۵ گانه در جنگ کوزوو هم استفاده شد. هم در داستان و ماجرای یوگسلاوی و هم در سال ۲۰۰۳ حمله به عراق. در این مدل با کنار هم قرار دادن این ۵ حلقه می گویند که کشور یک قسمت رهبری دارد، که این با سیستم مغز انسان مقایسه می شود. می گوید که اگر می خواهید انسان را از کار بیندازید، بهترین جا از کار انداختن مغز انسان است. در کشور مغز چیست؟

۱. سیستم رهبری و مدیریت کشور ۲. فرماندهی نظامی - قرارگاه های عمده

نظامی ۳. سیستم تصمیم سازی و تصمیم گیری

در واقع این ساختار نظام رهبری یک کشور است. پس اولین جایی که مورد حمله و اصابت قرار می گیرد سیستم مرکزی و رهبری است. که این را به این سیستم تشبیه کرده اند و می گویند که ما می توانیم چنین شکلی را ایجاد کنیم و اگر بتوانیم مغز و سیستم عصبی را بزنیم و مورد اصابت قرار دهیم، سیستم اصابت از کار می افتد.

مدل تحول یافته تهدیدات علیه کشور



۶-مدل کلی دفاع همه جانبه از کشور

من به خاطر می آورم که در جنگ ۲۰۰۳، وقتی امریکائی ها به عراق حمله کردند، وزیر خارجه روسیه به کرمانشاه آمد و از آنجا با ماشین به بغداد رفت و برگشت و در کرمانشاه با او صحبت کردند. او گفت : با صدام که ملاقات کردم، احساس کردم ما که روسیه هستیم، اطلاعاتمان از کشور عراق از صدام بیشتر است. یعنی تمام مسیر های ارتباطی به صدام را قطع کرده بودند و او تنها مانده بود. خودش در پناهگاه پنهان کرده بود که آسیب نیند، ولی دیگر نمی توانست رهبری و فرماندهی کند و کلاً رهبری اش مختل شده بود. در سال ۱۹۹۲ که جنگ اول خلیج فارس بود یادم هست که به همراه شهید احمد کاظمی (رحمت الله علیه) به منطقه جنوب رفته بودیم، و در آن زمان یک آماده باش به نیروهای مسلح در ارتباط با آن جنگ داده بودند.

ما به سمت العماره (جزائر مجنون) با ماشین به همراه بچه های سپاه بدر عراق رفتیم، یعنی همراه رزمندگان عراقی سپاه بدر، برای اینکه از اوضاع آنها با خبر شویم دیدیم که رزمندگان عراقی مخالف صدام ۴ نفر از فرمانده لشکر های عراقی را اسیر کرده بودند

و ما آنها را به اهواز آوردیم. چون در زمان جنگ بزرگترین مقامی که ما اسیر کردیم یک فرمانده تیپ بود. آنجا ۴ فرمانده لشکر و یک فرمانده سپاه عراقی را اسیر کرده بودند و به اهواز انتقال داده شد. خدا شهید احمد کاظمی را بیامرزد، از آنها سؤال می کرد، چطوری شما از نیروی زرهی و تانکهایتان استفاده نکردید؟ چطوری نتوانستید سیستم تان را جمع کنید؟ در پاسخ فرمانده عراقی شروع می کرد به گریه کردن. می گفت ما کاملاً رها بودیم. ما مستأصل بودیم، تمام ارتباط ما قطع شده بود، تمام ارتباطاتمان و تدارکاتمان قطع بود. همه چیز ما قطع بود.

یعنی سیستم شبکه فیبر که ما راجع به آن صحبت می‌کنیم و به آن شبکه ارتباطات و سیستم موازی می‌گوئیم، کلاً قطع بود و ما اصلاً نمی‌توانستیم ارتباط برقرار کنیم و مستأصل بودیم. ۴ فرمانده لشکر گریه می‌کردند. در واقع این مدل طرف و هدف را به سمت استیصال به این شکل می‌برد. حلقه سوم محصولات کلیدی و اساسی کشور هست.

آن چیزهایی که کشور به آن وابسته می‌باشد در صورت قطع آنها کشور می‌تواند آسیب ببیند که زیر ساخت های کشور را در برابر این رده بنده می‌کنند و می‌گویند که چه چیزهایی هستند؟ حلقه چهارم، در واقع روح و روان است، یعنی بحث روانی و به کارگیری مردم هست. و حلقه پنجم هم اجزاء سلولها هست. یعنی اهداف تاکتیکی. یعنی شما مشاهده کنید که اهداف تاکتیکی، حتی نظامی در اولویت پنجم قرار می‌گیرد. ولی اهداف استراتژیک در اولویت اول می‌باشد. آمریکائیاها این مدل را در ۴ یا ۵ جنگ آزمایش کردند. بعد معلوم شد که در بعضی جاها جواب می‌دهد و کار می‌کند و در بعضی جاها هم مشکلاتی دارد. درباره کشور ما که محاسبه کردند، یک نظریه جدید ارائه کردند، اسم آن نظریه جدید را "نظریه جدید مراکز ثقل" گذاشتند، که در واقع نام اصلی آن نظریه واردن، نظریه مراکز ثقل بود. اسم آن را جنگ بی قاعده گذاشتند، یعنی Irregular war جنگی که قاعده ندارد. این جنگ را در برابر جنگ با قاعده یا کلاسیک مقایسه کردند.

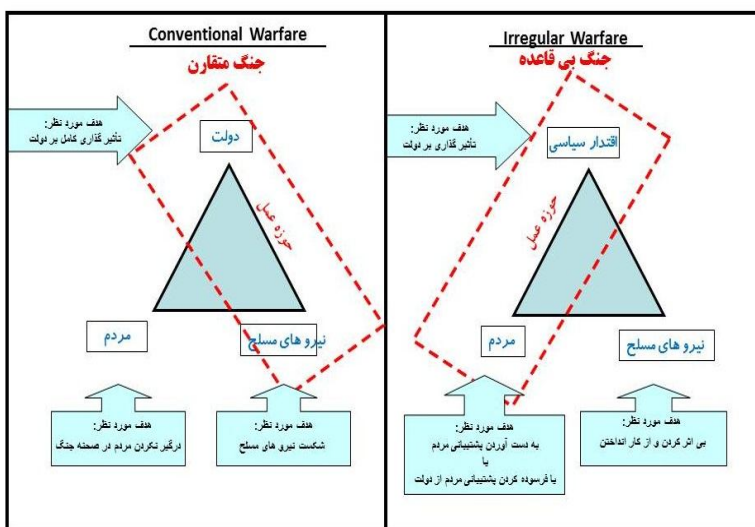
این جنگ را در جایی دیگر آزمایش کردند، من یک نمونه آن را برایتان ذکر می‌کنم. بعد این نظریه را برای جمهوری اسلامی ارائه دادند که برای برخورد و با ما این نظریه اصل قرار می‌گیرد.

امریکائی‌ها از بعد از جنگ جهانی دوم تجربه جنگ با همه کشورها را دارند، یکی از تجربیات گرانهای آنها این است که هر جایی که می‌خواهند برخورد کنند، نایستی با مردم رو در رو شوند و با آنها برخورد کنند.

تصویر شماتیک از نحوه عملکرد جنگ بی قاعده و مقایسه آن با جنگ متقارن

(ترجمه شده از مرکز جنگ بی قاعده، ویرجینیا، آمریکا)

(USMC CENTER FOR IRREGULAR WARFARE)



برای اینکه مردم پشت دولت و حکومت متمرکز می شوند و تا نفر آخر با دشمن می جنگند. این چیزی است که سیر طبیعی تمام جنگ ها است. اگر با یک دشمن خارجی روبه رو شوند همه متمرکز می شوند و بعد همه با دشمن می جنگند. می گویند نباید اجازه دهیم که در رویارویی و بر خورد مردم آنجا با دولت یکپارچه شود و با ما بجنگند. می گویند، خوب پس جابجایی حکومت را چکار کنیم؟ جنگ های نسل چهارم، یک فرق دیگر با جنگ های نسل سوم دارد. در جنگ نسل سوم هدف هایش، هدف های تاکتیکی و هدف های جغرافیایی می باشد. مثلاً تصرف فلان تنگه، تصرف فلان سرزمین، تسلط نقاط مهم، تسلط رودخانه. در جنگ های نسل چهارم دیگر اینها هدف نیست. می گویند تغییر نظام سیاسی کشور هدف می باشد، می گویند changing the regime.^{۲۴} یعنی تغییر نظام سیاسی. خب، نگاه کنید، را که فقط نیروی نظامی نمی تواند حفظ کند، بخش زیادی از آن ارتباط بین دولت و مردم است. ارتباط دولت و مردم در واقع یک ارتباطی است که اگر بتوان آن را از هم جدا کرد، حکومت به هم می خورد. آن چیزی که به عنوان رژیم سیاسی تعریف می شود یا به عنوان حکومت تعریف می شود. چون اگر بگوئیم دولت فرق بین Government و state قائل شویم. State یعنی حکومت، Government یعنی دولت. هر دوی این واژه را در انگلیسی دولت می گویند. ولی این دولت یعنی هیئت دولت و وزراء Government، آن یکی یعنی حکومت، مجموعه قوا و مجموعه حکومت. حکومت را رابطه بین مردم و دولت می گویند، تعریف می کنند.

^{۲۴} مدل تغییر رژیم رئیس جمهور باراک اوباما، به دیگران (دول دیگر) اجازه تحرک عمل و کار را تا زمانی می دهد که ما (دولت آمریکا) برای آنچه آنها انجام می دهند اعتبار و منابع لازم را به دست آوریم.

این امر هزینه جانبی روش تغییر نظم بین المللی است که نیرو های محلی را به همراه کشور هایی که می خواهند در این زمینه تلاش و حرکت سخت کوشانه را متعهد شوند، آماده می کند. این یک استراتژی است که اساساً برای ایجاد تغییر به دیگران بستگی دارد و تصدیق می کند که ما تغییر هیچ دولتی را به زور و اجبار انجام نخواهیم داد. مگر اینکه شرایط شورش محلی و تلاش واراده چند ملیتی در آنجا برای تغییر وجود داشته باشد.

((پایگاه اینترنتی سیاست خارجی(آمریکا))) (www.foreignpolicy.com)

دولت از مردم پشتیبانی می کند، مردم از دولت حمایت می کنند و نیاز های مردم را تأمین می کند. و مردم چه؟ مردم اطاعت و پشتیبانی از دولت. اگر جایی هم دولت احتیاج داشت مردم به آن کمک کنند. این رابطه را باید به هم بزنند.



نقشه کشور یوگسلاوی در حمله ناتو

(در نقشه آرایش نیرو های ناتو و اهداف آنها مشخص شده است)

در یوگسلاوی یک مدل را عمل کردند.^{۲۵} مدلسش چه بود؟ آقای میلوشوویچ، رئیس

^{۲۵} ویلیام انجل در کتاب جدیدش تحت عنوان طیف کامل تسلط: دمکراسی نوتالیترینی در نظم نوین جهانی شکل نوینی از جنگ پنهانی امریکا را که اولین بار در سال ۲۰۰۰ در بلگراد صربستان آنرا انجام داد مطرح کرده است. سازمان های اصلی‌ای که در بلگراد درگیر بودند شامل بنیاد ملی دمکراسی و مؤسسه بین‌المللی جمهوری خواهان و مؤسسه ملی دمکراسی بودند. آنها به عنوان این‌جی‌ا‌های مستقل مطرح بودند اما در واقع آنها سازمان‌هایی بودند که توسط امریکا ایجاد شدند و وظیفه داشتند با روش‌های غیر خشونت‌آمیز، اعتراض‌های وسیع خیابانی، تبلیغات وسیع رسانه‌ای و هر چیز دیگری که باعث ایجاد درگیری‌های نظامی مختصری شود ایجاد تغییرات در رژیم را تحریک کنند.

انجل در کتاب خود به مقاله‌های مایکل دابیز در واشنگتن‌پست اشاره کرده که وی در آنها به چگونگی براندازی اسلوبودان میلوشوویچ رئیس جمهوری صربستان که در طول جنگ‌های بالکان در دهه ۱۹۹۰ و هفتاد و هشت روز بمباران ناتو در سال ۱۹۹۹، نتوانسته بودند دولت‌ش را ساقط کنند و استفاده بیل کلینتون از تظاهرات‌های خیابانی برای این مسئله، آن را توضیح داده است. یک مبارزه انتخاباتی ۴۱ میلیون دلاری توسط ریچارد میلز سفیر امریکا قدرت میلوشوویچ را به پایان رساند. یک گروه مشاوران توسط امریکا ایجاد شد که هر چیزی را از جمله آراء مردم را جابه‌جا کردند و به هزاران فعال مخالف آموزش دادند و به سازماندهی کردن نوعی شمارش آرا موازی کمک کردند (استفان لندمن، ۲۰۰۹). در صربستان سال‌ها طول کشید تا توانستند نوعی انسجام و یکپارچگی در اجتماع ایجاد کنند. ابتدا سازمانی تحت عنوان "جنبش دانشجویان" به وجود آمد. نماد این جنبش یک مشت گره کرده بود که بر روی لباس‌های گروه دیده می‌شد؛ بر روی در و دیوار هم از این نماد استفاده کردند (ویژه‌نامه عبور از فتنه، آذر ۱۳۸۸ ص ۸۴ و ۸۵). هزاران قوطی رنگ‌پاش به وسیله فعالان دانشجویی برای نوشتن تبلیغات ضد میلوشوویچ بر دیوارهای صربستان استفاده شد و در سراسر کشور حدود ۲/۵ میلیون بر چسب که روی آن نوشته بود او تمام شده است توزیع شد. اقدامات آماده‌سازی که شامل آموزش تکنیک‌های مخالفت غیر خشونت‌آمیز به رهبران مخالف در سمیناری در بوداپست مجارستان در موضوعاتی مانند سازماندهی اعتصاب‌ها، ارتباط برقرار کردن با نمادها ... غلبه بر ترس و تضعیف اقتدار رژیم بود نیز انجام شد. کارشناسان امریکایی که در مؤسسه رند مشغول بودند مسئول یکی کردن مفاهیم حرکت گله‌ای بودند (استفان لندمن، ۲۰۰۹).

میلوشوویچ در ابتدا به دو دلیل اصلی در قدرت باقی ماند: او از حمایت وسیع داخلی در خارج از بلگراد، و از وفاداری کامل نیروهای امنیتی در صربستان در آن زمان برخوردار بود: سربازان وزارت کشور و سازمان‌های شبه نظامی مختلف (استراتفور، ۲۰۱۰).

اما سرانجام مخالفین صربستان دو استراتژی را به کار بردند که در نهایت باعث سرنگونی حکومت میلوشوویچ شد: همکاری و سازش با عناصر رژیم میلوشوویچ.

جمهور کشور یوگسلاوی بود و داشت می جنگید. آمریکاییها یک دولت سایه درست کردند، یک اپوزسیون داخلی را در داخل کشور به رسمیت شناختند و با آن ارتباطات برقرار کردند و گفتند که ما شما را قبول داریم. این را به عنوان محور توسعه داخل کشور قرار دادند. بعد طراحی جنگ را شروع کردند بر اساس ناتوان سازی دولت در اداره مردم، این طراحی را انجام دادند.

همکاری مشترک متقاعد کننده کارگران صنعتی و کارگران معدن مرکزی صربستان و همچنین ملی‌گرایان صربستان که علیه میلو سوویچ اعتراض می‌کردند بیشتر از حرکت دانشجویانی که علیه حکومت اعتراض می‌کردند مؤثرتر بود. مأموریت مرکزی گروه مخالف دانشجویی به همکاری پذیرفتن هر کسی از اعضای اتحادیه کارگری بود که بتواند میزان مخالفت‌ها را در مقابل دولت افزایش دهد. همچنین آنها در انتخابات ۲۰۰۰، کوشتونیکا را که اساساً ملی‌گرا و متمایل به صربستان شمالی (منطقه وجودینا) بود کاندیدا کردند.

در عین حال، آنها از طریق مذاکره، سازش با نیروهای شبه امنیتی و دادن تعهد به آنها مبنی بر داشتن یک جایگاه مناسب در صربستان آینده که دمکراتیک و طرفدار غرب خواهد بود آنها را به مخالفت علیه حکومت میلو سوویچ سازماندهی کردند (استراتفور، ۲۰۱۰). سرانجام در ۵ اکتبر ۲۰۰۰ اسلودان میلو سوویچ رئیس‌جمهور وقت صربستان در میان تظاهرات و اعتراضات صدها هزار نفر در بلگراد مجبور به استعفا شد (بارسقیان، مرداد ۱۳۸۶، ص ۳۱). پیروزی این انقلاب بدون پوشش وسیع رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی در کنار حضور فعال نهضت مقاومت جوانان (اتپور) و نهادهای غیردولتی و در نتیجه حضور توده‌های مردم در صحنه محقق نمی‌شد.

حضور فعال رسانه‌ها و اهمیت آنها در این انقلاب را از آنجایی می‌توان درک کرد که نام این انقلاب را انقلاب بولدوزر هم گذاشته‌اند. دلیل آن هم این بود که یکی از معترضین در تظاهرات طرفداران انقلاب، بولدوزر خود را آتش زد و آن را به طرف ساختمان تلویزیون صربستان هدایت کرد و این ساختمان را به آتش کشید (ذاکری خطیر، ۱۳۸۸).

میلو سوویچ با یک کودتای موفقیت‌آمیز بر اساس سیاست دفاعی آمریکا در زمان رامسفلد و با به کارگیری استراتژی حرکت گله‌ای از کار برکنار شد. بلگراد نمونه اولیه انقلاب رنگی‌ای به شمار می‌رود که واشنگتن در پی آن بود.

(تأثیرات روانی رسانه‌های نوین بر استراتژی حرکت گله‌ای آمریکا) (رضی عمادی)

یعنی می شود: استراتژی فلج سازی دولت. منظورم از دولت هیئت دولت نیست، منظورم حکومت است. فلج سازی یعنی چه؟ یعنی اگر دولت می خواهد به مردم پاسخ دهد با چه باید پاسخ دهد؟ مردم چه می خواهند؟ آب و برق و نان و از این دست نیازها. خوب، آب و برق و زیر ساخت ها را هدف قرار دادند تا دولت نتواند این نیازها را پاسخ دهد و پاسخگو باشد.



تصاویر بمباران بلگراد در شب توسط نیروهای ناتو



حملات هوایی و بمباران سنگین و شبانه روزی ناتو



آمریکاییها اولین بار در جنگ بالکان، از یک بمبی به نام "بمب گرافیتی"^{۲۶} استفاده کردند. این بمب گرافیتی اساساً بمب نیست، لایه های تقویت شده کربن است. مانند موی سر انسان بلند که قدرت مقاومت در برابر ولتاژ بالا را دارد و وقتی بر روی شبکه های برق می افتد، اتصال برقرار می کند و شبکه های برق منفجر می شود و این بمب را به صورت چتری پرتاب می کنند و بر روی نیروگاه های برق فرود می آید.

باعث از بین رفتن و قطع برق می شود و در واقع یکی بمب ضد سیستم برق تولید کردند و برای اولین بار استفاده کردند. برق را قطع کردند که دولت نتواند به مردم سرویس بدهد.

^{۲۶} بمب های گرافیتی این بمب ها نوعی مهمات غیر کشنده هستند که اولین بار در جنگ ها کزوو و ضربستان مود استفاده قرار گرفتند در واقع این بمب ها به دنبال نیاز نیروی هوایی آمریکا به بمب هایی که در عین حالی که اثر نامطلوبی بر روی انسان ندارد باعث از کار افتادن ژنراتور های برق و خطوط انتقال نیرو میگردد. اما پیشینه ی این بمب ها به دهه ی ۷۰ برمی گردد که قرار بود در جریان آزاد سازی گروگانهای سفارت آمریکا در تهران از این بمب ها استفاده گردد عملکرد این بمب ها به این گونه بود که بر اساس تاثیر رشته های گرافیت کربن در اتصال قطب های مثبت و منفی منابع تولید و توزیع الکتریسیته استوار بود.

این سلاح همچنین در جنگ علیه عراق (سال ۹۱) به دفعات استفاده شد البته بطور مکرر با موشک های کروز تاماهاوک بدنبال نیاز برای تکامل این جنگ افزار قرار شد از یک بمب فرعی BLU-۱۱۴ درون بمب های خوشه ای CBU-۹۴/B استفاده گردد تا بتوان بشکل بهتر بمب ها را با استفاده از بمب های خوشه ای پراکنده کرد و میزان آسیب وارده را دوچندان نمود.

اما عملکرد به اینگونه بود که بمب های BLU-۱۱۴ پس از انفجار بمب مادر با استفاده از چتر کوچکی تاخیر انداز سرعت سقوط و بدنه استوانه ای کربنی خود پس از انفجاری کوچک در ارتفاعی معین الیاف کربن بصورت رشته ای در هوا پراکنده می شوند.

در مدل های بعدی کربن بصورت پودر پخش میشد و بتدریج به منابع الکتریسیته نفوذ کرده و باعث اتصال الکتریکی و از کار افتادن موتور های برق می شد زمان پخش این مواد در هوا بین ۵ دقیقه تا نیم ساعت بود.

((پایگاه اینترنتی شبکه تحلیل نظامی آمریکا)) (www.fas)



تصویر بمب گرافیتی

رشته های فیبر کربن در تصویر به خوبی مشخص است

در جنگ ۳۳ روزه، یک استراتژیست رژیم اشغالگر قدس نوشته بود که ما هدفهایی را که در لبنان از بین بردیم، ۴۰۰ مایل جاده، ۲۷۱ عدد پل، ۸۰ بانک، ۲ بیمارستان و ۷۳ مدرسه و مراکز آب و فاضلاب. اگر شما این آمار اهداف را ریز و لیست کنید می بینید که اهداف نظامی نیست. برای فهم اینکه بدانید دشمن چکار دارد می کند و چکار می خواهد بکند باید تحلیلی داشته باشید که دشمن کجاها را مورد هدف قرار می دهد؟ وقتی این اهداف را می زند فاضلاب را چرا مورد هدف قرار می دهد؟ زدن فاضلاب برای ناتوان سازی دولت در مقابل نیاز مردم است. آب برای چه؟ هدف قرار دادن سیستم آب برای این که مردم تحت فشار قرار گیرند.

در واقع اینجا میتوان استراتژی فلج سازی دولت با محوریت مردم را درک کرد. با مردم برخورد نمی شود. اسم های زیبایی برای آن گذاشته اند. یک جا اسم آن را Clean War^{۲۷} گذاشته اند. یعنی جنگ تمیز. جنگی که آمریکائیاها برای خودشان تعریف می کنند، می گویند، بمب ها و سلاح های ما آنقدر دقیق و هدایت شونده است که کشور را مثل یک بدن و پیکر تجسم می کنند و می گویند که یک غده سرطانی در آن وجود دارد.

^{۲۷} جنگ‌ها در ابتدا مدل و شکل عمومی داشت و قدرت‌های نظامی با ایجاد تلفات در افراد غیرنظامی و شهرها هدف مورد نظر را منهدم می‌کردند؛ ولی فشار افکار عمومی از یک سو و رعایت جنبه‌هایی از حقوق بشر و مسایلی چون صلح دوستی، باعث شد تا بشر تلاش کند با کمترین تلفات و خسارت هدف مورد نظر را به دست بیاورد؛ از این رو مدل‌های جدیدی از جنگ‌ها با استفاده از فناوری‌های نوین ظهور کرد و در نبردها بر اساس آن عمل کرد. در این مدل حوزه‌های نظامی کاملاً تخصصی است، به این معنی که با استفاده از فناوری‌های نوین به منظور ایجاد حداکثر قدرت، دقت و تداوم؛ تلاش می‌شود با کمترین تلفات بیشترین بازدهی به دست آید. از این رو این نوع نبردها به جنگ پاک (Clean War) معروف هستند. این مدل را می‌توان نسل چهارم سیستم‌های نظامی ذکر کرد که یکی از مهم‌ترین مولفه‌های آن فناوری است.

((پایگاه اینترنتی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج.ا.ا.)) (www.farhangedefa.ir)

ما برای از بین بردن این غده سرطانی که تمام این بدن را با منفجر نمی کنیم و از بین نمی بریم. ما با چاقوهای ظریف و تیغ های جراحی، بند بندی که به این غده سرطانی متصل هست را جدا می کنیم و این غده را بیرون می اندازیم و به هیچ بافت دیگری آسیب نمی رسانیم و اسم این را Clean War گذاشته اند، یعنی جنگ تمیز. جنگ تمیز یعنی بمب های ما با مردم کاری ندارد، بمب های ما فقط هدف های خودش را می زند که از قبل مشخص شده است، و باید مشخصاً دنبال کند. یعنی دولت را در برابر اداره امور مردم ناتوان کنید و به وسیله اینکه ابزار اداره مردم از دولت گرفته شد و دولت یکی ویژگی دارد، اداره مردم وظیفه اش است، تأمین نیازمند های آنها و پاسخ به نیاز ها و خواستهای مردم. ابزار دولت چیست؟ زیر ساخت های دولت. اگر این زیرساخت ها از دولت گرفته شود. دولت قدرت اداره ندارد. از طرف دیگر با ابزار های عملیات روانی شروع به تحریک مردم می کنند، در درون مردم عناصر ضعیف را محور قرار دادن، شوراندن مردم علیه دولت و بعد مردم بروند و دولت را عوض کنند. همین کار عیناً در یوگسلاوی انجام شد که آقای میلوشویچ وقتی فشار مردم رویش زیاد شد دولت را رها کرد و فرار کرد به کشور همسایه. حالا آن نظریه را که در آن زمان نظریه و بحث اولیه بود را در برابر کشور ما توسعه داده اند و این عملیات را که من مقدماتش را ذکر کردم، به عنوان یک عملیاتی که با محور مردم هست، بعنوان مدل تهدید مطرح می شود. آمریکائیا می گویند، "استراتژی های جنگ بی قاعده را دشمنان ما با بکارگیری ترکیبی از قابلیت های غیر کلاسیک خرابکارانه، سنتی و فاجعه بار دنبال می کنند تا موجبات تضعیف و فرسایش در برتری در اراده آمریکا ایجاد شود. تقابل با چنین رویکرد هایی نیازمند به تلاش های هماهنگ از سوی ابزار های مختلف قدرت ملی است که اینجا فقط قدرت نظامی نیست، همه ابزار ها. جنگ بی قاعده به عنوان نبرد خشونت آمیز بین نیرو های دولتی و غیر دولتی با هدف کسب مشروعیت و تأثیر گذاری بر مردم ایجاد می شود." یعنی محور این نظریه مردم است. در واقع عملیات را مردم محور دنبال می کنند. البته می گویند که با این وجود ممکن است،

سلاحها، نیروهای نظامی و قابلیت‌های دیگر به منظور ایجاد فرسایش در نیروهای دشمن و تضعیف در آنها و برتری شان به کار گرفته شود. آنچه ما از این موضوع درک می‌کنیم این است که مفهوم جنگ عوض شده است. آنچه از جنگ در ذهن ما بود کاملاً فرق کرده است.

دیگر این طور نیست که ما یک خاکریزی بزنییم و بگوئیم این طرف جمهوری اسلامی و آنطرف دشمن. در این طرف خاکریز همه در کنترل ما باشند، ما خاکریز می‌زنیم ولی صدای دشمن فراتر از خاکریز ما در ذهن مردم مان کار می‌کند. به وسیله امواج، به وسیله رسانه، به وسیله امور روانی، مردم را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. حالا چقدر، بستگی به تنبلی و قدرت ما دارد. چقدر ضعف و چقدر قدرت ما در این زمینه داریم. ولی دیگر خاکریز را نمی‌توانیم بگذاریم، کسی نباید و عبور نکند و امور روانی مردم ما را خراب نکند.

از طریق رسانه ارتباط برقرار می‌شود، مردم می‌توانند تحریک شوند، مردم می‌توانند به سمت موافق یا مخالف کشیده شوند. پس اینجا در واقع مردم بیشتر از نظامیان و تکنولوژی پیشرفته در موفقیت جنگ بی‌قاعده نقش دارند.

موفقیت در جنگ بی‌قاعده بستگی به روابط، اطلاعات موجود از منابع مورد نظر دارد، پس این موفقیت نیازمند صبر و پایداری است. یعنی آن شدت عمل و سرعتی عملی که ما در جنگ نظامی به دنبال هستیم، ممکن است به وجود نیاید، یک مقدار صبر می‌خواهیم. به عبارت دیگر جنگ بی‌قاعده در سطح استراتژیک بر مردم و کنترل آن متمرکز است. در سطوح عملیاتی آن از حرکت غیر مستقیم برای طرح ریزی استفاده می‌شود. در سطوح تاکتیکی از تاکتیک‌ها و روش‌های متفاوت از عملیات متعارف و کلاسیک استفاده می‌شود.

۷- تقسیم بندی حوزه های پدافند

در واقع اینجا دوباره بر این بحث تأکید دارد و می گوید: هدف قرار دادن زیر ساخت های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا امنیتی که موجب نارضایتی مردم بشود، به جای استفاد مستقیم از نیروی نظامی در تقابل با نیرو های نظامی و شبه نظامی دشمن.

هر دو رویکرد معتقد است استفاده مستقیم از نیروی نظامی چندان تأثیر گذار نیست. منظورش این است که مفاهیم پدافند غیر عامل که اشاره شد، مثلا مانند کاهش آسیب پذیری باید در سطح ملی انجام گیرد. از این صحبت ما استفاده می کنیم که در واقع پدافند غیر عال چند لایه و چند سطح بندی است.

اگر شما به جدول زیر دقت کنید، صفحه یا ستون اول که در این سطح بندی قرار دارد، یک سطح راهبردی هست.



جدول سطح بندی راهبردی پدافند غیر عامل

در سطح راهبردی پدافند غیر عامل یعنی آنجایی که ما می خواهیم این ۴ و ۵ کلید واژه که عبارتند از: افزایش پایداری، کاهش آسیب پذیری، تسهیل مدیریت بحران و ... که ذکر شد، در سطح ملی انجام بدهیم و مثلاً می خواهیم برنامه توسعه گاز کشور را تنظیم کنیم.

بسیار خوب اینجا که اصلاً نمی توانیم راجع به پناهگاه و اینطور چیزها صحبت کنیم، می گوئیم می خواهیم گاز را چطوری توزیع کنیم؟ یک جوری توزیع کنیم که:

۱. آسیب پذیری در کشور تولید نکنیم.
۲. آسیب پذیری هایمان را افزایش ندهیم.

اگر ما بخواهیم این کار را بکنیم باید بفهمیم که آسیب پذیری چیست؟ آسیب پذیری هایمان چه چیزی هایی است و باید چکار کنیم. شناخت آسیب پذیری ها در سطح ملی در واقع یک کار بسیار مهم و اساسی است. مثلاً اگر بخواهیم برنامه توسعه نفت بدهیم، خوب برویم با همان لایه های قبلی که داشتیم ادامه بدهیم؟ یا نه، بیائیم و آسیب پذیریمان را کم کنیم، چون در سطح راهبردی می خواهیم مطرح کنیم.

مثلاً می خواهیم بگوییم به این استان بدهیم یا آن استان، خیلی هم با هم فرق نمی کنند، حالا ممکن است چند درصد هم کم یا زیاد بشود، ولی کدام ما را پایدار می کند؟ کدام آسیب پذیری ما را کم می کند و کدام زیاد؟ که این خیلی مهم است. مسؤل این کار ها چه کسانی هستند؟ دستگاه های راهبری کشور، مثل مجلس، رهبری، رئیس جمهور، دولت، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سطح عالی وزارت خانه ها، معاونت راهبردی رئیس جمهور. اینها هستند که در واقع برنامه راهبردی کشور را تنظیم می کنند. حتی در استانها، استاندار و مسؤلین که برنامه راهبردی استان را تنظیم می کنند، یعنی آن کسانی که کارشان از جنس برنامه است. ما می خواهیم برنامه آینده استان، برنامه آینده وزارتخانه، برنامه آینده کشور را تنظیم کنیم. باید بدافند غیر عامل را در ذات برنامه پیش بینی کنیم. یعنی باید چکار کنیم؟

۱. تهدید شناسی کنیم. مثلاً می خواهیم گاز تولید کنیم، تهدیدات در آینده سمت و شکلش چگونه است؟ تأثیرش بر گاز چگونه است و اگر تأثیر دارد، ما طوری کار کنیم که این تأثیر را به حداقل برسانیم.

۲. می خواهیم آسیب پذیریمان را کم کنیم، باید ببینیم آسیب پذیری موجود چیست؟ شناسایی بشود طوری برنامه ریزی بکنیم که آسیب پذیری کم بشود.

۳. با اقدامات برنامه تهدید را مدیریت کنیم، یعنی تهدید را کنترل کنیم، کاهش دهیم، ریسکش را کم کنیم، و به حداقل برسانیم، خوب جنس همه

اینها چیست؟

جنسش برنامه ریزی است که ما می گوئیم ماهیت اقدام:

۱. سند چشم انداز^{۲۸} است.

^{۲۸} سند چشم انداز بیست ساله:

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل. جامعه ی ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی، با تاکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزاد یهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه ی اجتماعی در تولید ملی.

امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب، فعال، مسئولیت پذیر، اینترگر، مومن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه ی آسیای جنوب غربی شامل آسیای میانه قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه (با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم)، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل، الهام بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه ی کارآمد، جامعه ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی.

تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی (ره)

۲- برنامه آمایش^{۲۹} سرزمین است.

۳- سیاست کلی است. راهبرد است. از این مفاهیم استنتاج می شود. در هیچ کدام اینها جنس ساختمان و اینها نیست. در این سطح در واقع، به آن می گوئیم پدافند غیرعامل راهبردی، ادبیات پدافند غیر عامل، ادبیات راهبردی است. یعنی فقط باید راجع به مباحث برنامه ریزی و راهبردی صحبت شود.

دارای تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

((خبرگزاری فارس)) (www.farsnews.com)

^{۲۹} آمایش سرزمین (Spatial planning) : برنامه‌ای بلندمدت و جامع برای بهره‌گیری از همه امکانات منابع و استعدادها در سطح کشور است. این برنامه با هدف بهره‌برداری منطقی از منابع و استقرار مناسب جمعیت و تأسیسات در فضای ملی و نیز اصلاح توزیع نامطلوب آن تدوین می‌شود. در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین ، رابطه جمعیت، فعالیت‌های آن با محیط و فضای زیست نقش محوری دارد نوعی برنامه‌ریزی که سرزمین را عامل تعیین کننده در تأمین اهداف توسعه می‌داند. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تشخیص مناطق مختلف سرزمینی اهمیت اساسی دارد. زیرا پایگاه اصلی برنامه‌ها شناخته می‌شود. در واقع برنامه آمایش دارای افق بلندمدت است و معمولاً دوره‌ای ۱۵ تا ۲۰ ساله را زیر پوشش قرار می‌دهد ، این برنامه خط و مرز بین برنامه کلان و برنامه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد ، به‌دیگر سخن ، برنامه آمایش ، برنامه‌های منطقه‌ای را به برنامه‌ای ملی پیوند می‌زند. آمایش سرزمین در صورتی می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای برنامه‌ریزی به‌کار رود که بتواند:

الف) کشورها را با استفاده از معیارهای مناسب و با توجه به محیط زیست ، منابع انسانی و طبیعی ، شرایط توسعه‌ای و نوع فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی به‌مناطق مشخص تقسیم کند.

ب) کمیت و کیفیت جمعیت را در هر منطقه مشخص کند.

ج) سطح موجود توسعه آموزش را به‌طور کلی در هر منطقه تعیین کند.

د) فعالیت‌های اصلی و عمده در هر منطقه را مشخص و سطح توسعه آن را تعیین کند.

ه) استراتژی‌های توسعه کشور در بلندمدت را روشن نماید.

و) استراتژی توسعه اجتماعی کشور، از جمله استراتژی توسعه آموزش (آموزش و پرورش یا آموزش عالی) در هر منطقه را روشن کند.

ز) ظرفیت توسعه منطقه را در یک دوره بلندمدت که با حجم جمعیت و حجم فعالیت‌های مختلف اقتصادی_اجتماعی از جمله فعالیت‌های آموزش عالی قابل تعریف است ، تعیین کند.

((پایگاه اینترنتی آفتاب)) (www.aftabir.com)

جدول سطح بندی عملیاتی پدافند غیر عامل

سطح دوم سطح عملیاتی است، در سطح عملیاتی، برنامه تنظیم شده، ما می خواهیم برنامه را بسازیم، برنامه را به زیرساخت تبدیل کنیم، در این سطح برنامه در واقع ما ماهیت و جنس برنامه مان، ماهیت مهندسی، فنی و صنعتی است. اینجا دیگر برنامه ریزی راهبردی نداریم، اینجا فقط مهندسی است. یعنی در واقع می خواهیم بگوئیم که این برنامه را چگونه بسازیم، خب در اینجا خروجی ما چیست؟



اینجا مسئول بخش های مهندسی دستگاه هستند، بخش های مهندسی، بخش های فنی، ادبیاتشان ادبیات مهندسی است و حوزه شان حوزه مهندسی. در واقع اینجا فقط باید مهندسان از مهندسی حرف بزنند و صحبت کنند، روش های فنی کاهش آسیب پذیری، چگونه این برنامه را، این سد را، این جاده را، این نیروگاه و این منزل و این ساختمان اداری را بسازیم که:

۱. آسیب پذیر نباشد. بلکه آسیب پذیری را کاهش داده و به سمت حذف برود.

۲. پاسخ به تهدید بدهد. بلکه تهدیدات را پاسخ داده و مدیریت نماید.

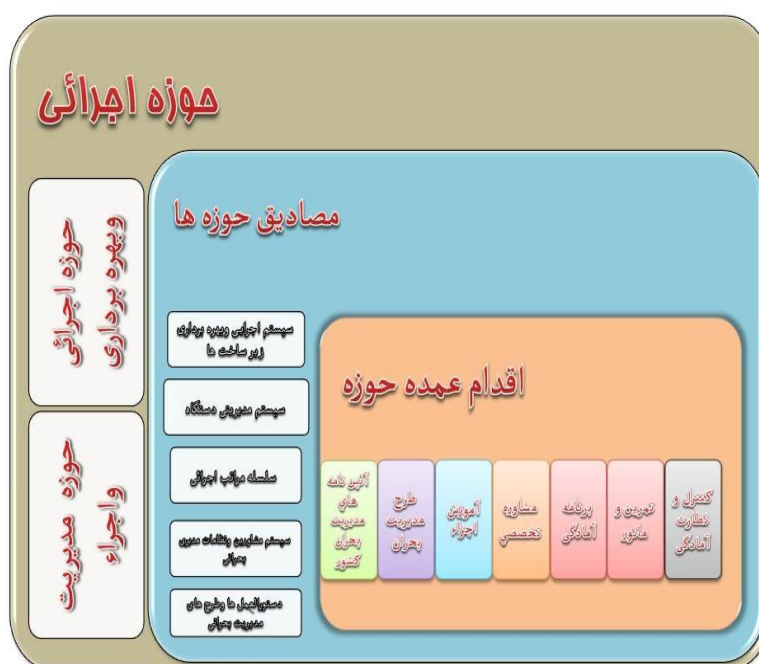
اگر هم بخواهیم در این جا تولید ادبیات کنیم. باید ادبیاتمان فنی باشد، یعنی ما مثلاً به عنوان یک نظامی نمی توانیم به یک مهندسی بگوئیم آقای مهندس، بیا اینجا، اینجا تهدید زیاد است، و او انجام دهد. برای این کار باید یک کار اساسی و نهادینه کرد. کار اساسی یعنی نظام فنی، یعنی تهدید کیفی را تبدیل کنیم به شاخص های کمی قابل ورود به معادلات و فرمول های مهندسی.

می گوئیم: اینجا ضریب g را از زمین از $۰/۳$ تبدیل کنید به $۰/۸$. اینجا فاصله پراکندگی را از ۱۰۰ متر به ۱۵۰ متر تبدیل کنید. اینجا عمق نفوذ سازه را این اندازه در نظر بگیر. یعنی باید با او از عدد و رقم صحبت کرد، نه اینجا مثلاً بحث راهبردی نظامی و دفاعی گفته شود.

ادبیاتش هم ادبیات مهندسی است. هر کسی که می خواهد اینجا صحبت کند باید کاملاً ادبیات مهندسی حرف بزند. در این سطح ما بایستی صرفاً تولید استاندارد، آئین نامه فنی، نظام نامه و امثالهم را با ملاحظه پاسخگویی به تهدیدات مورد نظر در آن حوزه و کشور پاسخ بدهیم و آسیب پذیری را کاهش دهیم.

پس ما در اینجا با یک جهاد در بازنگری و بومی سازی و تولید استاندارد ها و آئین نامه های فنی روبرو هستیم. در سطح سوم، ما مراکز را ساخته ایم و در حال بهره برداری هستیم.

حالا می خواهیم در حال بهره برداری طوری بهره برداری کنیم که حداقل آسیب پذیری را داشته باشیم. اینجا ادبیاتمان، ادبیات مدیریت بحران است.



جدول سطح بندی اجرایی پدافند غیر عامل

ما در حال بهره برداری از وضع موجود هستیم، وضع موجود را می خواهیم در برابر حادثه طوری مدیریت نمائیم که حداقل آسیب پذیری را داشته باشیم. اینجا جنس می شود مدیریت بحران، آمادگی و تمرین و آموزش.

۱. طرح ریزی مدیریت بحران ۲. آموزش مدیریت بحران. ۳. تمرین مدیریت بحران ۴. رزمایش و مانور

آنطور که بتوانیم حادثه را در این حوزه کنترل بکنیم. و هم چنین مدیریت. که به آن می گوئیم مدیریت بحران. لذا این ۳ سطح پدافند غیر عامل جنبش و محتوایش و ادبیاتش با هم فرق می کند، متخصصین متفاوتی را می خواهد. ممکن است که یک نفر که در بخش میانی مهندس است، در واقع تخصص داشته باشد ولی نتواند در حوزه راهبردی حرف بزند، و بالعکس یکی که در حوزه مدیریت بحران است. لذا ما برای هر سطحی از پدافند غیر عامل یک نظامات، یک ادبیات، یک روشها و چهارچوب های خاص خودش را باید دنبال کنیم.

مثلاً ببینید در نفت، به اشتباه آمده اند پدافند غیر عامل را مساوی با H.S.E^{۳۰} گرفته اند. H.S.E یعنی چه؟ یعنی سطح مدیریت بحران.

^{۳۰} HSE از سه کلمه بهداشت (health)، ایمنی (safety) و محیط زیست (environment) می باشد. هدف اصلی نظام مدیریت HSE به حداقل رسانیدن و یا کاهش آسیب های وارده به نیروی انسانی، تجهیزات، محیط زیست و کسب و حفظ اعتبار سازمانی است. نتیجه حاصل از استقرار این نظام افزایش بهره وری و راندمان در سازمان بوده و در این راستا نیروی انسانی به عنوان محور توسعه، مورد توجه خاص قرار دارد.

دنیای امروز دنیای رقابت است. نرخ سریع تحولات تکنولوژیک و تغییر در الگوهای مصرف و نیازهای بازار و بالا رفتن انتظارات جامعه و مسئولیتهای اجتماعی سازمانها، عرصه رقابت را روز به روز تنگ تر می نماید. شرط بقا در چنین محیطی برخورداری از مزیت های رقابتی در سازمان است. تحقق اهداف سازمان در حوزه رقابت پذیری، پرداختن به موضوعات ایمنی (Safety) بهداشت (Health) و محیط زیست (Environment) رابه یکی از اولویت های سازمان ها در تجارت امروز تبدیل نموده است.

اساساً واژه سلامت (Health) در سه سطح زیر تعریف شده است:

سطح ۱: بهداشت کار (Occupational hygiene)

سطح ۲: طب کار (Occupational medicine)

سطح ۳: خدمات پرستاری و توان بخشی مرتبط با کار (Occupational Health nursing) سطح یک به لحاظ تقویت نمودن مباحث پیشگیرانه در صنعت، در ساختار HSE انجام وظیفه می نمایند (پایگاه اینترنتی تیان) (www.tebyan.net)

یعنی احساس شده است که ما در زیر ساخت و در مهندسی نفت هیچ کاری نمی توانیم بکنیم. این گونه فکر می کنند که باید به روشی مدیریت کنیم که هیچ اتفاقی برایش نیفتد و این به نظر من غلط است.

ما باید در سطوح مختلف، در سطوح راهبردی، در سطوح اجرایی، همه بحثی داشته باشیم و هر کدام متناسب با موضوع خودش بحث را دنبال کنیم و اجرا کنیم. من فکر می کنم بحث تا همین جا کفایت می کند. در این جا اگر دوستان سؤالی دارند، من در خدمتتان هستم، با صلواتی بر محمد و آل محمد.

۸- پرسش و پاسخ

سوال - با تشکر از اطلاعات وسیعی که در اختیار حضار قرار دادید. در بخش آسیب پذیری فرمودید کارهایی باید انجام گیرد و نیاز هست زیر ساخت های دقیقی برای این کار تهیه شود.

خب الان تجربه ای که به دست آمده است تجربه چند سال است حداقل، دیگر کمتر از ۵، ۶ سال نیست، بلکه بیشتر است، که این مسائل مطرح است و در جلسات استانی هم بعضاً که بوده، حالا موضوع این است که از ۵، ۶ سال به این طرف چه میزان زیر ساخت هایی که متناسب با به اصطلاح اگر حادثه ای رخ داد.

ما الان مثلاً بگوئیم در این بحث این زیر ساختها رعایت شده است، مثلاً شما می فرمائید ساختمان ها ساخته بشود، حداقل در طبقات منهای صفر، بشود پارکینگ یا مثلاً بشود فرض پناهگاه. آیا واقعاً الان در سیستم عمران کشور این موارد در زیرساخت ها رعایت شده است یا نه؟

پاسخ- ما ۳ نکته داریم. یکی آیا قوانین و الزامات برای این کار داریم یا نه؟ که ما در برنامه پنج ساله پنجم، فکر می‌کنم اگر اشتباه نکنم ماده ۳۱۲۰۱ باید باشد. که به تمام دستگاه‌های اجرایی الزام می‌کند که در نظام عمرانی کشور بایستی

ماده ۳۱۲۰۱ - دولت موظف است به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و ارتقاء توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سیستمهای دفاعی، اقدامهای ذیل را در صورت تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح به عمل آورد:

الف - تقویت مؤلفه‌های بنیه دفاعی با تأکید بر مدرن‌سازی و هوشمندسازی تجهیزات، ارتقاء منابع انسانی و سامانه‌های (سیستمهای) فرماندهی (CEI)

ب - ارتقاء فناوریهای نوین و هوشمند و سامانه‌های (سیستمهای) اطلاعاتی در به‌کارگیری سامانه‌های دفاعی به ویژه سامانه‌های الکترونیکی، هوافضا، دریایی و پدافند هوایی

ج - بهینه‌سازی و بهبود ساختارهای چابک و پاسخگو در دفاع ملی

د - ارتقاء حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و به‌کارگیری متقابل و بهینه از امکانات و توان منابع انسانی

ه - نوسازی و بازسازی و بهبود صنایع دفاعی با نگرش به سامانه و فرآیندهای صنعتی نوین و - ارتقاء ابتکار عمل و توان مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی، منابع حیاتی و انقلاب اسلامی ایران

ز - ارتقاء و افزایش سطح دانش و مهارت نیروهای مسلح، به صورت کمی و کیفی

ح - ارتقاء سطح آموزش، تحقیقات، فناوری در بخش دفاع و گسترش همکاریها با مراکز علمی دانشگاهی داخلی و خارجی

ط - حضور و استقرار متناسب با تهدیدها در حوزه‌های آبی کشور (خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر)

ی - ارتقاء منزلت اجتماعی و معیشت کارکنان نیروهای مسلح

ک - رعایت اصول پدافند غیرعامل در طراحی و اجرای طرحهای حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنایی و ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۱۷۹) این قانون، به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی

آئین‌نامه‌های اجرائی این ماده ظرف مدت دو ماه از تصویب این قانون، توسط معاونت و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید و در صورت تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح به مرحله اجراء گذاشته می‌شود.

(پایگاه دفاتر پیشخوان دولت) (www.ictb.ir)

ملاحظات پدافند غیر عامل کشور برای زیرساخت هایی که دارای طبقه بندی حیاتی هستند و مهم می باشند، در مطالعه برنامه شان انجام گیرد.

بخش دوم هم که سیاست های کلی بود که مجری محترم ذکر کردند که در مصوبه مقام معظم رهبری هست. که در آنجا هم در واقع همه دستگاه ها را مکلف می کند که اینکار را انجام بدهند و دنبال کنند، خوب دستگاه ها نسبت به خودشان در واقع موضوعات را جلو برده اند و کار کرده اند. در ارتباط با الزامات، ما با وزارت مسکن و شهر سازی سابق، که از دیروز ادغام شده است،

بحث آئین نامه و الزامات فنی را دنبال می کنیم. که نزدیک ۱۵ آئین نامه را به صورت مشترک در حال تهیه داریم. یکی از آئین نامه ها، آئین نامه مهندسی مقررات ملی ساختمان و مبحث ۲۱ هست، که در واقع نظام و فنآوری در ساخت و ساز ساختمان های مسکونی و اداری کشور می باشد، که در حال نهایی شدن می باشد. این موارد را به صورت کاملاً اجرایی و جدی الزام آور می کند، چون مقررات ملی ساختمان هم هست.

در واقع به صورت قانون محسوب می شود و لازم الاجراء برای همه دستگاه های اجرایی می باشد. قوانین هم در شهر های جدید داریم. در شهرک های مسکونی، شهرک های صنعتی و در سایر موارد هست که در حال تهیه و اجرا است. این که چه میزان از این ها اجرا می شود، ما در واقع سیاستمان در سازمان پدافند غیر عامل کشور بنا به تدبیر مقام معظم رهبری، سیاست حمایت و تشویقی هست نه فعلاً برخوردی و تنبیهی.

در واقع ما دنبال متوقف کردن کارها نیستیم، اگر جایی این کار انجام نشده متوقف می کنیم. در صورتی که ما بیشتر تلاش می کنیم با آموزش، توجیه و هدایت دستگاه های اجرایی این کار ها انجام بگیرد.

احساس مان هم این است که از سال ۸۲ که حضرت آقا این را دستور دادند، (پدافند غیر عامل هم چون شعله بلند شود). احساس می کنیم که کار فرهنگی و آموزش خوب جلو رفته است. ما ۳ سال قبل یک گزارشی خدمتشان تقدیم کردیم، ایشان در سطر گزارش نوشتند که به نظر می رسد که اهمیت پدافند غیر عامل، برای مسئولین کشور مشخص شده باشد.

یعنی روشن شده باشد. یعنی تا یک اندازه این موضوع جلو رفته است، ولی بطور طبیعی اجرای آن، زمان زیادی می برد، ما در برآورد اولیه حداقل ۱۰ سال نسبت به توسعه مان در حوزه پدافند غیر عامل در کشور عقب هستیم. اگر بسیجی وار حرکت کنیم، می توانیم در زمان ۱۰ سال به حد مورد نظر برسیم. ولی اگر بخواهیم کند حرکت کنیم، ممکن است که این فاصله در بعضی از حوزه ها بیشتر هم بشود. ولی خوب خوشبختانه، اقدامات خوبی هم در کشور انجام شده است. من به عنوان نمونه صدا و سیما را گفتم .

سوال - ساخت مراکز حیاتی و مهم کشور در منطقه آسیب پذیر مثل عسلویه و پالایشگاه جم با تفکر و رویکرد کدام سبک از اندیشه مدیریتی ساخته شده است، در صورت بروز حوادث و یا حمله دشمن چه کسی جوابگو می باشد و سوء مدیریت ها کجا پیگیری می شوند؟ شما در صحبت هایتان گفتید، باید بشود و تا کنون نشده است، به عنوان نمونه انتقال مراکز حیاتی به مناطق امن چقدر هزینه دارد؟

پاسخ - ببینید، من تقریباً در سال ۸۶ بود که سیاست های کلی نظام را به مجمع تشخیص مصلحت برای طرح بردیم و بعد دوستان در مجمع تشخیص گفتند که رئیس مجمع باید حتماً نسبت به این موضوع توجیه شود.

ما هم طی جلسه ای خدمت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی رفتیم که رئیس مجمع تشخیص مصلحت هستند، و موضوع را به ایشان توضیح کامل دادیم و ایشان هم نسبت به این مقوله بسیار علاقه مند بودند، و همین طور هم حساس، ولی در ذهن شان این طور برداشت شده بود، یعنی اینکه کاری نمی شود انجام داد.

ما شاید نزدیک یک ساعت و نیم که به ایشان موضوع را توضیح دادیم، ایشان در تمام طول جلسه محاجّه می کردند که مثلاً این حوزه را چکار می کنید؟ آن حوزه را چکار می کنید؟ مثلاً عسلویه را چکار می کنید؟ که ما برای هر کدام از موارد توضیح فنی می دادیم. یک جمله ایشان به ما گفتند که به نظر جمله ای کلیدی آمد و پاسخ سوال شما نیز هست.

ایشان گفتند که زمانی که جنگ تمام شد، احساس کردیم که بازدارندگی جنگ می تواند تداوم داشته باشد و تهدید را تا مدتها از کشور بیرون ببریم. دوم اینکه وقتی نظامی ها پیش ما می آمدند، مفاهیم نظامی را در بحث توسعه به ما می گفتند. وقتی ما نگاه می کردیم، می دیدیم که این مفاهیم نظامی در برنامه های ما قابل تعمیم نیست و ما آنرا درک نمی کنیم، ولی این مواردی که شما امروز می گوئید، که در واقع تلفیقی از موارد نظامی و توسعه می باشد.

در برنامه توسعه نیز هست. ما احساس می کنیم که راه حل اجرایی دارد و اگر آنروز کسی این موارد را به ما می گفت ما حتماً این موارد را در آن تأمین می کردیم. ولی در سیاست هایی که قبلاً به ما ارائه شد، ما به این نتیجه رسیدیم که توجه نکردن به این امر از همه موارد راحت تر خواهد بود و کار را راحت می کند. لذا یک مجموعه زیادی از آسیب پذیری در عسلویه برای کشور به وجود آمده است، که بر طرف کردن آن هم نیاز به مدت ها زمان و هزینه دارد.

سوال - در خصوص مکانیزم تأمین اعتبارات مورد نیاز دستور اجرایی در خصوص پدافند غیر عامل مطالبی شفاف ارائه دهید، منابع ملی، منابع اعتباری استانی.
پاسخ - شفاف شفاف این موضوع این است که در آئین نامه اجرایی بند ۱۱، ماده ۱۲۱ برنامه ۵ ساله چهارم توسعه کشور که به تمام دستگاه های ابلاغ شده است، و مصوب مقام معظم رهبری هم می باشد.

فکر کنم در بند های آخری آن، یعنی ۷ و ۸ و ۹^{۳۲} آن می گویند که مسئولیت کاهش آسیب پذیری و پدافند غیر عامل به عهده همه دستگاه ها می باشد. دستگاه ها بایستی درباره پروژہ های در حال مطالعه از ابتدا برنامه پدافند غیر عامل را مطالعه کنند جزء برنامه شان قرار دهند، برآورد کرده و در برنامه سال آینده شان قرار دهند.

^{۳۲} آیین نامه اجرایی بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۹۴۵۴.ت/۳۳۲۶۰ هـ.تاریخ: ۱۳۸۴.۰۴.۲۲ سازمان مدیریت

ماده ۷- وظایف و اختیارات کمیته های دستگاه های اجرایی عبارتند از:

- ۱- بررسی و پیشنهاد سطح بندی و اولویت بندی مراکز دستگاه مربوط
- ۲- پیگیری تهیه و اجرای طرح پدافند غیرعامل مراکز موجود براساس مصوبات کمیته دائمی و نظام فنی و اجرایی کشور به نحوی که در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- حداقل مراکز حیاتی و حساس کشور ایمن سازی شوند.
- ۳- نظارت بر اعمال ضوابط و مقررات پدافند غیرعامل در طرح های دستگاه مربوط
- ۴- انجام پژوهشها و آموزشهای تخصصی و عمومی در زمینه پدافند غیرعامل مرتبط با موضوعات تخصصی دستگاه مربوط

ماده ۸ - در مورد طرح های مصوب و در دست اجرا یا در دست مطالعه که اعتبار آنها از محل بودجه عمومی کشور تأمین می گردد، دستگاه اجرایی موظف است اعتبار مربوط به رعایت اجرای ضوابط و مقررات پدافند غیرعامل را ضمن اعتبار سالانه آن دستگاه پیش بینی نماید.

ماده ۹- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با توجه به مصوبات کمیته دائمی در مورد تأمین اعتبار مراکز در حال بهره برداری، مربوط به دستگاههایی که از محل بودجه عمومی کشور تأمین اعتبار می گردند، براساس پیشنهاد هر یک از دستگاه های اجرایی و با رعایت مفاد ماده (۳۲) قانون برنامه چهارم توسعه اعتبار مورد نیاز برای اجرای طرح های پدافند غیر عامل مراکز مذکور را ضمن لایحه بودجه سالیانه کشور پیش بینی می نماید.

((مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی)) (www.rc.majles.ir)

یعنی در واقع آن را جدا نکنند، دوم اینکه وضع موجود و در حال بهره برداری را با یک اعتبار سالانه بگیرند و مطالعه کنند، و در حد برنامه ریزی مطالعه بشود که بفهمیم چکار باید بشود، مجدداً سال بعد در برنامه بیاورند که این اعتبار را در اختیار پدافند غیر عامل گذاشته اند، سالی در حدود ۱۵۰ یا ۱۸۰ میلیون تومان می باشد که بودجه ضعیفی است. درباره استان ها هم ما خدمت آقای رئیس جمهور برای طرح این موضوع رسیده ایم، و ایشان فرمودند که من اختیارات مرکز را به استاندارها می دهم و یک ابلاغی هم به استاندارها کردند که ۵٪ از اعتبارات استانی را به این امر اختصاص دهند که ما هم از استاندارها پیگیری کردیم. بعضی از استان ها استفاده کردند و عمل کردند و بعضی ها هم استفاده نکردند.

سوال - عملاً چه درصدی از مباحث تئوریک که مطرح کردید، به صورت ویژه در مباحث امنیتی و نیازمندی های کشور محقق شده است؟

پاسخ - ببینید درصد دادن کار خیلی سختی است، ما اگر بخواهیم میزان پیشرفتمان را بگوئیم دو تا شاخص داریم، یکی گذشته و یکی آینده. نسبت به گذشته کار بسیار شده است و کار زیادی در حوزه های مختلف، در حوزه دفاعی کار زیادی صورت گرفته است. همینطور هم در حوزه های غیر دفاعی نسبت به آینده کار زیادی مانده است، حداقل ما ۱۰ سال عقب هستیم. باید خیلی کار کنیم و به سمت جلو حرکت کنیم. ولی به این گونه بگویم که مثلاً من هفته پیش سفری به کره شمالی داشتم، بازدید از زیرساخت های پدافند غیر عاملشان داشتم. آنها خیلی در این زمینه پیشرفت کرده اند، نزدیک ۳۰ یا ۴۰ سال کار کرده اند.

در گذشته هم مسئولین ما هم از آنجا بازدید می کردند و از آنها الگو می گرفتند و کار می کردند. این سفر که به آنجا داشتیم، آنها از ما درخواست داشتند که نیروهایشان را در دانشگاه هایمان در زمینه پدافند غیر عامل آموزش دهید. این نشان می دهد که ما در این زمینه رشد کرده ایم و از آنها پیشی گرفته ایم. علت این امر هم این است که ما تنوع برخورد تهدیدمان بیشتر از آنهاست، و چون تنوع دارد ما در حوزه های بیشتری از تهدید کار کرده ایم. لذا تهدیدی که آنها با آن مواجه نیستند ما برایش راه حل به دست آورده ایم و لذا می تواند برایشان مفید باشد و همینطور برای بسیاری دیگر.

سوال - در فرآیند اخذ موافقت و اجرای پروژه ها، با نظر و تأیید سازمان هایی همچون محیط زیست، منابع طبیعی و ... اخذ می شود، آیا برنامه دارید که در پروژه ها نظر و تأیید پدافند غیر عامل اخذ شود؟

پاسخ - اشاره کردم که این مورد در قانون و ماده ۳۲ برنامه نظام عمرانی کشور ابلاغ شده است که در برنامه ۵ ساله پنجم تبدیل به ماده ۲۱۵ شده است.^{۳۳}

سوال - یکی از کارکرد های مهم پدافند غیر عامل نهادینه کردن در بین مردم است. وظیفه دستگاه های اجرایی برای این امر چیست؟

^{۳۳} ماده ۲۱۵- پیشنهاد طرح های تملک دارائی های سرمایه ای جدید در لوایح بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان پذیر است:

الف - عناوین، اهداف کمی و اعتبارات طرح های تملک دارائی های سرمایه ای جدید با رعایت مواد (۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه براساس گزارش توجیهی فنی (حجم کار، زمان بندی اجرا)، اقتصادی، مالی و زیست محیطی و رعایت پدافند غیرعامل از سوی مشاور و دستگاه اجرائی پس از تأیید معاونت برای یک بار و به قیمت ثابت سالی که طرح های مورد نظر برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور می گردد به تفکیک سال های برنامه و سال های بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد.

(پایگاه دفاتر پیشخوان دولت) (www.ictb.ir)

پاسخ - موضوع مردم را به صورت عمومی دنبال می کنیم، یک بخشی از مردم را به وسیله سازمان بسیج دنبال می کنیم، و تفاهم نامه ای بین سازمان پدافند غیر عامل کشور و سازمان بسیج مستضعفین صورت گرفته است. طی آن توافق نامه ما آموزش ۲ میلیون نفر از مردم را به بسیج واگذار کرده ایم.



پیرو همین موضوع و توافقنامه تا کنون نزدیک ۱۸۰۰۰۰۰ نفر آن محقق شده است و تأمین مربی و آموزش مربی و جزوات مربیان نیز انجام گرفته است. یک بخشی هم توسط آموزش و پرورش انجام می شد که در مدارس در سطوح راهنمایی از ۲ سال قبل، آموزش خواهران تبدیل به آموزش پدافند غیر عامل شده است. در آموزش دفاعی برادران هم، در واقع فصل دیگری به نام پدافند غیر عامل اضافه شده است.^{۳۴}

^{۳۴} ((کتابی مجزا برای معلمان و درسی با موضوع پدافند غیرعامل در کتاب آمادگی دفاعی دوره دبیرستان طراحی گردیده است. ضمن اینکه برای دختران در دوره راهنمایی نیز کتاب آموزش دفاعی در حوزه های دفاع غیرنظامی و پدافند غیر عامل طراحی شده و امسال در کلیه آموزشگاه ها توزیع شده است.))

((پایگاه اطلاع رسانی دولت)) (www.dolat.ir) مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۶

که بخشی از آموزش را انجام می دهد، و بقیه دستگاه های اجرایی آموزش عمومی را بر عهده دارند که طبیعتاً باید انجام دهند.

سوال - با توجه به نظر سازمان پدافند غیر عامل میزان فعالیت ها و اقدامات اجرایی دستگاه ها و وزارتخانه های کشور در حال حاضر در چه سطحی است؟

پاسخ - این سازمان ها متفاوت هستند، بعضی سازمان ها خیلی خوب هستند، بعضی سازمان ها خیلی بد هستند، جزء سازمان های خوب کار کرده، یکی انرژی هسته ای هست، یکی صدا و سیما و دیگری وزارت ICT. بد های این زمینه را هم اجازه دهید تا نگوییم که روحیه آنها خراب نشوند.

سوال - با توجه به آسیب پذیر بودن کشور در بخش گاز و پالایشگاه های گازی، به دنبال برق و آب، برنامه ای از طرف مدیریت بحران پیش بینی شده و ابلاغ شده است. چه باید کرد و چه چیزی در حال انجام است؟

پاسخ - ما پروژه های صنعتی را در ۲ وضعیت قرار می دهیم. یکی پروژه های در دست مطالعه که مقرر شده برای این گونه پروژه ها از طریق دستگاه از همان مرکز، مشاور پدافند غیر عامل اختصاص دهیم و این مشاور آسیب پذیری و تهدید و راه حل مقابله را مطالعه کند و همزمان با طرح ارائه بدهد و در آنجا انجام گیرد. بخش زیادی از پروژه های در حال انجام هستند. ما روز اول مشاور کم داشتیم. الآن نزدیک به ۳۰۰ مشاور در کشور تربیت کرده ایم که این تعداد کم است ولی بالاخره در حال حاضر مشاور تأیید صلاحیت شده در این زمینه نزدیک به ۳۰۰ نفر هستند. بخش دوم در باره طرح های در دست اجرا هست.

موارد در دست اجراء با توجه به اولویت حیاتی بودنشان، به آنها رسیدگی می شود. مواردی که حیاتی می باشند در اولویت یک به آنها پرداخته می شود. از مکانیزم تحلیل خطر و ریسک^{۳۵} استفاده می کنیم و با تجزیه و تحلیل خطر و زیر ساخت تلاش می کنیم موارد پدافند غیر عامل را محقق کنیم که در خیلی از دستگاه ها این کار صورت گرفته است.

^{۳۵} راهکار ها و روش های تحلیل خطر و ریسک:

مثلاً در حکم تدابیر ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۸۲ ایشان اشاره کردند به ساختمان مخابرات میدان امام (ره). احتمالاً شما این دستور مقام معظم رهبری را دیده باشید که ایشان فرموده اند مراحل مختلف نیروگاه ها و پالایشگاه ها مثل ساختمان مخابرات و میدان امام (ره) این ساختمان مخابرات میدان امام (ره) یکی از مراکزی بود که همه ارتباطات کشور اعم از زمینی و هوایی و دریایی همه به اینجا متصل می شد. حتی تلویزیون و رادیو و مخابرات همه چیز و اگر اینجا آسیب می دید، ارتباطات کشور کلاً قطع می شد.

در حال حاضر در این زمینه این تهدید را به حداقل رسانده ایم و تا کنون ۳ بار مانور کرده ایم و این ارتباطات در ساختمان میدان امام (ره) را حذف کردیم و هیچ اتفاقی نیفتاد و این نشان دهنده این امر است که می توان این کار را انجام داد. ما برای Back Up و رله درست کردیم و شبکه هایش را اصلاح کردیم تا اینکار انجام گیرد.

سوال – با توجه به اعلام رسمی جنگ سایبری توسط اوپاما، قطعاً یکی از اهداف این جنگ ما هستیم، آیا توان علمی محققان ما در این جنگ جوابگو خواهد بود؟
آیا برای این جنگ به صورت متمرکز عمل می شود یا غیر متمرکز؟ آیا پدافند غیر عامل می تواند سازمان ها را توجیه کند؟ آیا برای پدافند آن در سطح جامعه اقداماتی شده یا خواهد شد؟

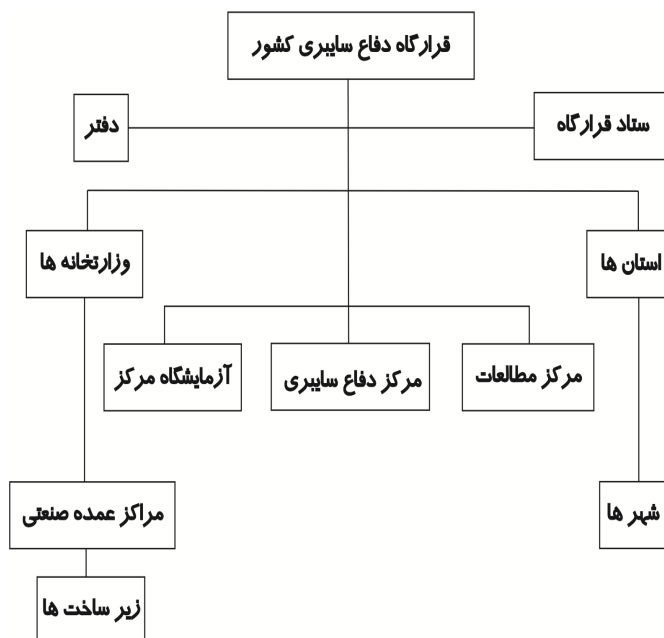
۱. بررسی و مطالعه تهدیدات متوجه هر سایت.
۲. بررسی سناریو های تهدید متناسب با هر شرایط.
۳. بررسی نقاط ضعف و قوت و آسیب پذیری هر سایت.
۴. تعیین نقاط تولید خطر کننده. تعیین میزان ریسک و خطر در هر بخش سایت.
۵. اقدامات کاهش دهنده ریسک.
۶. اقدامات حذف کننده ریسک.

پاسخ - اینجا ما ۴ سوال داریم. اول اینکه مایه اصلی دفاع سایبری نیروی انسانی و دانش است. یعنی دانش فنی و نیروی انسانی، امروز من می توانم به شما بگویم که ما برای دفاع نیروی انسانی لازمه را داریم. توان علمی و دانش رایانه را در کشور داریم. اگر کمی به آن توجه کنیم، جهش وار این مسیر و فاصله را طی می کنیم. دوم اینکه آیا این مدل جنگ سایبری و دفاع سایبری متمرکز است یا غیر متمرکز؟ من یک صفحه آن را برای شما اینجا نمایش دادم. این یک نظام یکپارچه است که لایه به لایه می باشد.

یک لایه در سطح عالی که دفاعی است، متمرکز و در سطوح پائین تر، سطح ملی و سطح فنی و پائین تر سطوح غیر متمرکز می باشد. مفهومش این است که بعضی از کارها باید در سطح ملی انجام گیرد.

مثلاً ما نیاز به سیستم عامل داریم . سیستم عامل جایگزین ویندوز که ملی و ایرانی باشد می خواهیم که Gap یا به قول دوستان بک دور و حفره های امنیتی^{۳۶} باشد.

^{۳۶} بک دور اصطلاحاً درگاه و محل ورودی می باشد که یک هکر هنگام ورود به یک سیستم یا سرور از آن استفاده می کند. در واقع بک دور یک ورودی مطمئن برای مواقعی می باشد که حتی رخنه و نفوذ به سایت کشف شده باشد و در آن موارد نیز کاربرد داشته و به نفوذگر یا هکر اجازه نفوذ را می دهد. بک دور هنگامی توسط هکر به وجود می آید که برای اولین بار به سیستم نفوذ کرده باشد، بعد از نفوذ، چون احتمال کشف شدن نفوذ و هک می رود، هکر یک بک دور در سرور ایجاد می کند تا اگر هم مدیر سرور حفره یا باگ را که هکر از طریق آن نفوذ کرده است پیدا کرده و آن را بر طرف کند باز نفوذ و رخنه از طریق این بک دور یا در پشتی امکان پذیر باشد.



مدل کلی دفاع سایبری کشور

دوم IDC^{۳۷} در سطح ملی می خواهیم. یعنی مرکز اطلاعات (دیتا سنتر) ملی، که ما

^{۳۷}دیتاسنتر : IDC Data Center به مجموعه ای از سرویس دهنده ها، زیرساخت‌های ارتباطی و تجهیزات دسترسی که به منظور ارائه، نگه داری و پشتیبانی از میزبانی سرویس های اینترنتی بکارگرفته شده اند گفته میشود. سازمانها، شرکتها و اشخاص عادی میتوانند با اجاره کردن فضا و تجهیزات در این مراکز صفحات وب، اطلاعات و سرویس های مبتنی بر وب خود را بر روی بستر اینترنت (یا اینترنت) راه اندازی کنند. دیتاسنتر داخلی چه فایده ای دارد؟!

- حذف ترافیک بی مورد و کاهش ارزشبری: ده ها سرویس پیشتاز مبتنی بر وب مانند سرویس های وبلاگ نویسی، اتاق های گفتگو، انجمنهای تبادل نظر، بانکهای اطلاعاتی سازمانها و ادارات و نهادهای دولتی و خصوصی و بانکها و دهها وب سرویس پیشتاز دیگر ایرانی بعلت نبود دیتاسنتر و هاستینگ ایرانی در سرورهای خارجی و اکثر آمریکایی هاست شده اند که موجب پیدایش ترافیک داخلی و بی موردی در دروازه نقاط تماس بین المللی شده است. بیش از ۸۰ درصد بازدیدکنندگان و کاربران وبسایت ها و وبسرویس های ایرانی (و فارسی) مقیم داخل کشورند و با نصب و راه اندازی و هاست کردن این سایت ها در داخل کشور میتوان به مقدار قابل توجهی از ترافیک لوپ شده تقاضاهای بازدید و استفاده از این سایتها کاست و به این ترتیب ترافیک و دروازه نقطه تماس بین الملل کشور را برای دیگر درخواستها خالی کرد. ضمن اینکه با کاهش ترافیک خروجی از نقاط تماس بین الملل ارزش بری کمتری صورت خواهد گرفت.

- بالا رفتن ضریب ایمنی : با راه اندازی دیتاسنترهای ایمن داخلی بانکها، نهادها و موسسات دولتی که نیاز به امنیت بالایی در ارتباطات خود دارند میتوانند با استفاده از سرورهای داخلی و قابلیت سفارشی کردن سیستم های حفاظتی سرورها با اطمینان بیشتری اقدام به نگهداری، تبادل و ارائه سرویس در بستر ICT بکنند.

- کاهش هزینه ها و جلوگیری از ارزشبری: با استفاده از دیتا سنتر داخلی جز کاهش هزینه ها و جلوگیری از ارزشبری بی مورد در هزینه های نقاط تماس بین الملل به سبب ارائه هاستینگ داخلی دیگر نیازی به خرید هاست از شرکتهای خارجی و خروج ارز از کشور نخواهد بود. مضاف بر اینکه در صورت مدیریت درست این مراکز و استفاده از دانش و نیروی ارزان متخصصان داخلی و کاهش هزینه های نگهداری میتوان به رقابتی شدن قیمت های هاستهای داخلی با خارجی اندیشید. بازار هاستینگ در کشورهای درحال توسعه بازار بکر و پراستعدادی است که در صورت هدایت و مدیریت درست میتواند سود کلانی را نصیب صاحبان مراکز داده بکند.

- توسعه فناوری اطلاعات: راه اندازی و استفاده از دیتا سنتر داخلی موجب افزایش توان و تخصص نیروهای داخلی، جلوگیری از فرار مغزها و استفاده از توانشان در داخل کشور و توسعه IT از جهت توسعه زیرساختهای آن میشود.

- تبدیل ایران به هاب مخابراتی منطقه : با توجه به موقعیت سیاسی و جغرافیایی ایران از طرفی و وضعیت کشورهای همسایه از طرف دیگر میتواند ایران را به هاب مخابراتی منطقه تبدیل کند و دیتاسنتر ایرانی مجموعه زیرساختهای مخابراتی لازم برای یک هاب منطقه ای را کامل میکند.

اطلاعاتمان را در آنجا داشته باشیم، اینها در سطح ملی است. حالا بعد ما باید برویم و دیتا سنتر استانی درست کنیم. سمینار اداری استانی داشته باشیم که این موارد را باید بعداً دنبال کنیم، زیر ساخت های ارتباطی استانی، که اینها ملی می باشند. ولی این که مثلاً ما در اینجا یک سد در حال بهره برداری داریم، دیسپاچینگ گاز یا برق هست، و یا تله مترینگ آب است که اینها بر اساس نرم افزار کنترل می شود. دسترسی هایشان را کنترل کنیم، ورودی هایش را کنترل کنیم. حفاظت پرسنل اش را حل کنیم، امنیت پرسنل را حل بکنیم، نگذاریم کسی به آن دسترسی پیدا کند.

مراکز امداد در آن بگذاریم که مرکز امداد رایانه ای به نام «گوهر» در سطح دستگاه و به نام سطح ملی در وزارت ICT راه اندازی شده را داشته باشیم، رخداد را پیگیری کنیم و این کارهایی است که همه باید در آموزش کاهش آسیب پذیری ها انجام دهند.

یکسری اقدامات هم باید در سطح ملی انجام گیرد، اگر اراده بشود، و مصمم در این حوزه حرکت کنیم به نظر من ۹۰ الی ۹۵ درصد امکانات آن را در برای دفاع در داخل کشور داریم و به خارج هم محتاج نیستیم.

سؤال – موضوع برگشت به جلسات عادی و طبیعی بعد از بحران که هر کشوری زودتر به حالت عادی پس از بحران برسد موفق است، به نظر کمتر به این موضوع پرداخته شده است. بومی سازی نیازها و به قولی مدل اسلامی مانند آب و نان مورد نیاز است.

-تحقق دولت الکترونیک : بعد از زیرساختهای مخابراتی اولین و مهمترین چیزی که برای راه اندازی و ارائه خدمات دولت الکترونیک به مردم مورد نیاز است مراکز داده و سرورهای استانی و ASP هاست.

((پایگاه اینترنتی Persia learn)) (www.persialearn.com)

پاسخ - من در صحبت‌هایم گفتم که مدل دفاع از هر کشور خاص خودش می‌باشد. چون تهدیدش خاص به خودش است، یک تهدیداتی ما داریم و کشورهای دیگر ندارند، لذا ما باید مدل بومی دفاعی برای خودمان داشته باشیم. می‌توانیم از بقیه هم استفاده کنیم.

نمی‌گوئیم نه ما باید همه چیز را خودمان اختراع کنیم. نه، ولی اینطور نیست که مدل دیگران به درد ما بخورد، آمریکائیا مدل پدافند غیر عامل زیاد دارند، ولی چون تهدیدی که دارند فقط تروریسم هست، به درد ما نمی‌خورد، یک بخشی از ما را در برابر تهدید امنیتی پوشش می‌دهد ولی در برابر سایر تهدیدها ما را پوشش نمی‌دهد. لذا مدل ما باید حتماً برای خودمان باشد وگرنه به درد ما نمی‌خورد. از این نظر مدل می‌تواند دارای ویژگی باشد و مفید واقع شود.

سؤال - در مورد جنگ‌های نوین ش.م.ه. (N.B.C)^{۳۸} چه کاربردی در پدافند غیر عامل دارد؟ فقط در خصوص بمب‌های گرافیتی توضیح بیشتری بدهید. چه تأثیری بر منابع حیاتی کشور دارد؟

^{۳۸} اصطلاح سلاح‌های کشتار جمعی که معادل‌های دیگر آن انهدام جمعی و امحای جمعی است، نخستین بار در سال ۱۹۴۸، در یکی از اسناد کمیسیون تسلیحات نوع کلاسیک به کار رفت. این کمیسیون را شورای امنیت در ۱۳ فوریه ۱۹۴۷، تأسیس کرد. سلاح‌های کشتار جمعی شامل سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که با علائم اختصاری A.B.C یا N.B.C یا R.B.C به کار می‌روند و در زبان فارسی علامت مخفف این سلاح‌ها «ش.م.ه.» مخفف شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای و گاهی نیز «ش.م.ر.» می‌باشد که حرف «ر» مخفف کلمه «رادیو اکتیو» است. معیار تشخیص این سلاح‌ها، یکی قدرت تخریبی آنها و دیگری اهداف آنها می‌باشد. بر اساس معیار دوم ماهیتاً جز به منظور انهدام وسیع بکار نمی‌روند و نمی‌توانند به اهداف معینی محدود شوند. سلاح‌های کشتار جمعی باید به نحوی تعریف شوند که در بردارنده سلاح‌های انفجاراتمی، سلاح‌هایی که با مواد رادیو اکتیو عمل می‌کنند،

تعریف سلاح‌های هسته‌ای

از آنچه که در تنها سند عهدنامه‌ای با ابعاد تقریباً جهانی یعنی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸، تعریفی از سلاح اتمی نشده است. برای تعریف این سلاح عموماً به ضمیمه پروتکل توافقات پاریس استناد می‌شود.

مطابق تعریف این سند، سلاح اتمی عبارت است از:

پاسخ - ببینید در مورد جنگ های N.B.C، حرف N مخفف nuclear به معنی هسته ای می باشد، B مخفف کلمه bacterial می باشد، و حرف C هم به معنی chemical یعنی شیمیایی می باشد.

در مقوله هسته ای و بیولوژیک (باکتریال) که امروزه در همه جای دنیا اتفاق می افتد، ما باید کار های لازم را انجام دهیم، در مورد شیمیایی یک مقدار کمتر است، در واقع به عنوان حمله، ولی ممکن است حوادث داشته باشیم.

سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده باشد.

تعریف سلاح‌های بیولوژیک

از سلاح بیولوژیک در کنوانسیون ۱۹۷۲ راجع به منع گسترش، تولید و انباشت سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام آنها تعریفی نشده لیکن تعریفی که متخصصین نیز با آن موافقت عبارت است از:

هر ماده بیولوژیک که تأثیر آن وابسته به تکثیر در داخل ارگانیسم هدف بوده و برای آن که باعث بیماری یا مرگ در انسان، حیوان و گیاه شود، در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی خصوصیت مشترکی دارند. عوارض آنها قابل پیش‌بینی نیست و غیرنظامیان در مقابل آنها، بسیار آسیب‌پذیرتر از نظامیان هستند.

ما هفته قبل انفجاری در یک کارخانه شیمیایی سم سازی (حشره کش سازی) در یکی از شهرها داشتیم، که حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر مردم آنجا دچار مصدومیت شدند. اگر در آنجا آمادگی نیروهای سپاه نبود، آسیب پذیری و تلفات خیلی بیشتر می شد که زود و به موقع رفتند و عملیات خنثی سازی را انجام دادند و حادثه حل شد که حتماً باید در این زمینه آمادگی باشد، یا حداقل، آنجاهایی که دستگاه های پرخطر وجود دارد یکی از الزامات ما برای دستگاه های پرخطر که در سیاست های کلی هم هست این است که در ساختار استان دستگاه های پرخطر باید در جای خاص باشند. یعنی ما یک شهرک داشته باشیم، و شهرک های صنعتی باید از لحاظ ریسک دسته بندی شوند. زیرساخت های High Risk (پرخطر)، و آنهایی که ریسکشان پائین است و یا متوسط. آنهایی که ریسک بالایی دارند، باید با الزامات خاص ساخته شوند.

با تشکر از همه عزیزان - والسلام

کتابنامه

- <http://afshar۲۱.blogfa.com>
- <http://afshar۲۱.blogfa.com/>
- <http://www.globalpolitician.com>
- <http://shadow.foreignpolicy.com>
- <http://maknews.com>
- <http://dailyprogress.com>
- <https://industrialsafety.wordpress.com/>
- <http://eshraf.ir/index.php>
- <http://www.noandishaan.com>
- <http://www.aftabir.com>
- <http://www.dolat.ir>
- www.hamshahrionline.ir
- <http://www.seemorgh.com>
- <http://paydaryemeli.parsiblog.com>
- <http://rc.majlis.i>
- <http://www.ammarha.com>

<http://www.dsrc.ir>

<http://www.fasleagahi.com>

<http://www.gerdab.ir>

<http://www.gerdab.ir/fa/news/۴۶۰۸>

<http://hrvizheh.blogfa.com/>

<http://www.mahdi۳۱۳.org>

<http://borhan۱۳۹۰.blogfa.com>

<http://mellatonline.ir>

<http://www.psyop.ir>

<http://rastak.com>

<http://www.fatehnet.net/>

<http://www.ketabkhar.ir>

<http://eshteghagh.blogfa.com>

<http://www.aftabir.com>

پایان

